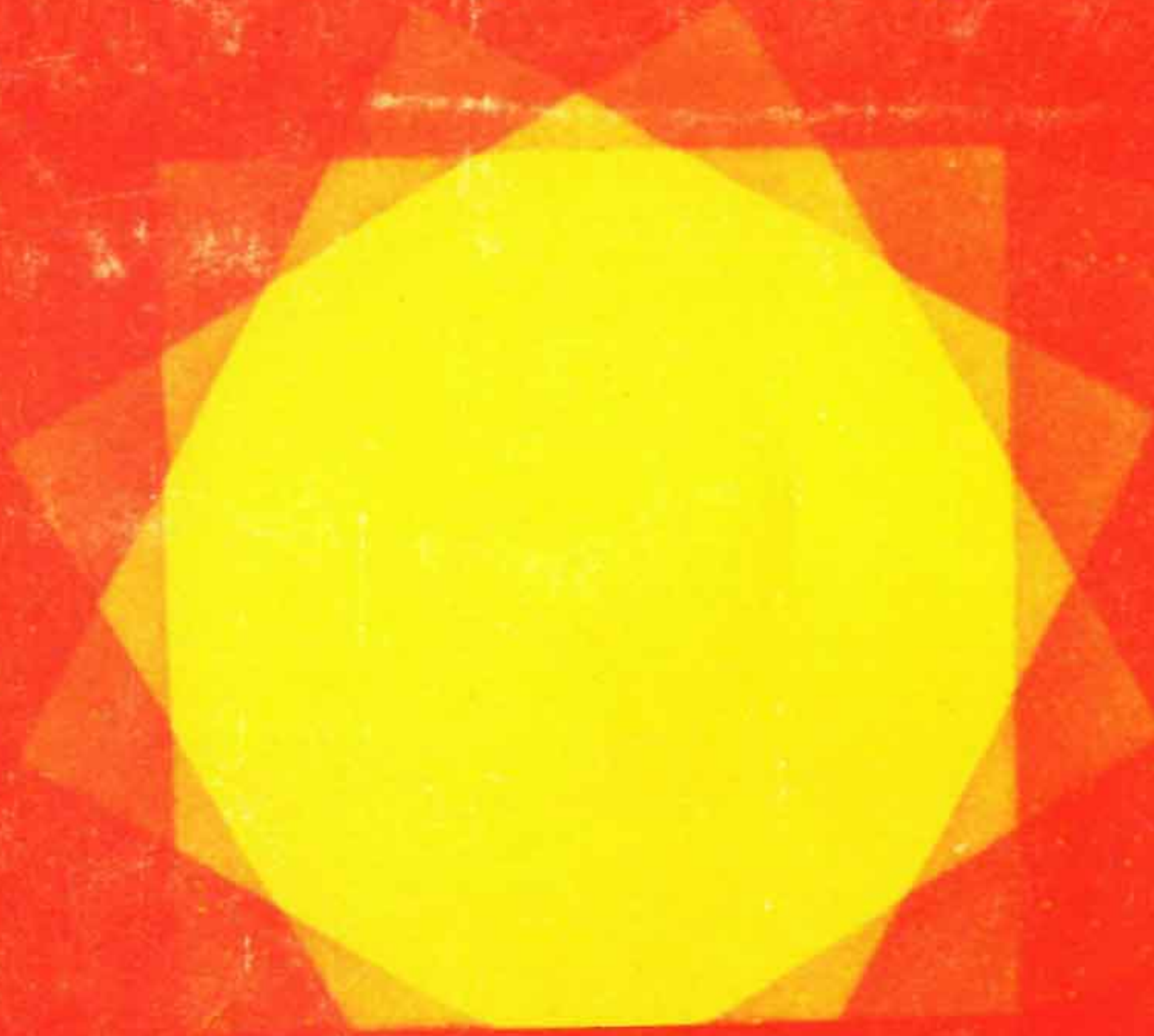


آية الله سيد محمد تقی موسوی اصفهانی



راز نیایش منتظران



راز نیایش منتظران

آیت الله سیّد محمد تقی موسوی اصفهانی
(صاحب کتاب شریف مکیال المکارم)

دفتر تحقیقات و انتشارات بدر

اصفهانی، محمدتقی، ۱۲۶۲ - ۱۳۰۸.

راز نیایش منتظران / محمدتقی موسوی اصفهانی. / تهران: انتشارات
مکیال، ۱۳۸۰.

ISBN 964 - 92530 - 8 - 4

۴۵۰ ریال

۱۱۲ ص

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتاب حاضر مشتمل بر دو عنوان «نور الابصار فی فضیلة الانتظار» و
«کنز الغنائم فی فوائد الدعاء للقائم عجل» می باشد.

۱. مهدویت. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق..

۳. مهدویت - انتظار. ۴. دعای امام زمان (عج). الف. عنوان. ب. عنوان: کنز

الغنائم فی فوائد الدعاء للقائم عجل. ج. عنوان: نور الابصار فی فضیلة الانتظار

۲۹۷/۴۶۲

BP ۲۲۴/۴/ الف

۱۲۳۵۳ - ۸۰م

کتابخانه ملی ایران



تلفن پخش: ۸۷۵۵۲۰۶

تلفاکس: ۸۷۴۱۹۶۴

راز نیایش منتظران

آیت الله سید محمدتقی موسوی اصفهانی

مؤسسه فرهنگی انتشاراتی مکیال

ویراستاری: دکتر سید فرخ فتاح زاده

حروفچینی و صفحه آرایی: امیر نیک سرشت

۳۰۰۰ نسخه - نوبت اول - مهر ۸۰ - نیمه شعبان ۱۴۲۲

لینوگرافی: باختر - چاپ: دهکده - صحافی: تلاش

شابک ۴ - ۸ - ۹۲۵۳۰ - ۹۶۴ - ۴ - ۸ - ۹۲۵۳۰ - ۹۶۴ - ۹۲۵۳۰ - ۹۶۴ - ۹۲۵۳۰ - ۹۶۴

نظارت مراحل تولید: عباس نیک سرشت

قیمت: ۴۵۰ تومان

فهرست مطالب

۵	مقدمه ناشر
	کتاب نور الابصار فی فضیلة الانتظار
۲۱	مقصد اول - ثواب و فضیلت انتظار
۳۱	مقصد دوم - واجب بودن انتظار
۳۵	مقصد سوم - معنای انتظار
۳۹	خاتمه - درجه کامل انتظار
	کتاب کنز الغنائم فی فوائد الدعاء للقائم <small>علیه السلام</small>
۴۸	مقدمه
۵۱	مطلب اول - ادای حق مؤمن
۵۵	مطلب دوم - تحقیق در امر دعا
۵۷	مطلب سوم - دعای ائمه <small>علیهم السلام</small>
۶۱	مطلب چهارم - سزاهتمام ائمه <small>علیهم السلام</small> در دعا برای ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small>
۶۳	مطلب پنجم - منافع دنیوی دعا
۷۱	مطلب ششم - فایده های اخروی تداوم در دعا
۸۵	مطلب هفتم - اوقات دعا
۹۱	مطلب هشتم - بعضی از دعاها
۱۰۶	خاتمه - زیارت حضرت صاحب الزمان <small>علیه السلام</small>

ثواب نشر این اثر پیرارچ و گرانبهای
شیعی را به روح یکی از خادمان
آستان مقدس ولی عصر عجل الله فرجه ،
مرحوم سید مرتضی شیخ الاسلامی
هدیه می‌داریم؛ باشد که موجب
شادی روح و علو درجاتش گردد.

مقدمه ناشر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِعْلَمَنَّ أَنَّ قُلُوبَ أَهْلِ الطَّاعَةِ وَالْإِخْلَاصِ
نُزَعُ إِلَيْكَ مِثْلَ الطَّيْرِ إِلَى أَوْكَارِهَا. (۱)

(فرزندم، مهدی) بدان که دلهای مردم با خلوص و
طاعت پیشه، بسان پرنده‌ای که به سوی آشیانه‌اش پَر
می‌کشد، بی تابانه و مشتاقانه، راهی کوی تو خواهند شد.

دشت سرسبز زندگی، کویری برهوت گردید. بوستانها همه
پژمردند جز سپیداران بیشه انتظار که در ژرفای خشکیده بیابان،
چشمه‌سار جوشان حیات را می‌جویند.
شب سرد وتیره به درازا کشید. چشمها همه خفتند جز دیدگان
اشکبار شیفتگان، که در سیاهی بی ستاره آسمان، فروغ رخشان مهر
فروزان را می‌جویند.

دریای خشم و خروش به طوفان برخاست، کشتیها درهم شکستند
جز زورق گلگون دلباختگان که در ستیز کوبنده امواج، ساحل آرام
سرزمین سعادت را می جویند.

پهنه زمین خشکیده، گل بوته‌ها همه پژمردند جز لاله‌زار خونرنج
دلباختگان که در کویر گدازنده صحرا، تراوش تو را می جویند، ای
چشمه جوشان حیات.

آری، تیره شب غیبت چونان شبانگاهی تار و یخبندان، به درازا
کشید. دریای سیاه زندگی، سراسر گرداب و طوفان شد. پهن‌دشت
انسانیت ریگستانی لوت و تفتان گشت.

و منتظران نستوه و پایدار، همچنان تو را می جویند، ای مهدی
موعود، ای منجی محبوب، ای قائم منتقم!

براستی که، در تاریخ "وصل و هجران" و "عشق و حرمان"،
محبتی چنین دیرپای، محبتی چنین پای‌بند و محبوبی چنان
گریزپای، هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده، که هزار و صد و
چهل سال است این "جذبه و ناز" و "راز و نیاز" ادامه دارد.

وای بر تو، ای قلم، بشکنی که چه نسنجیده و ناهنجار نوشتی! کجا
آن یوسف عزیز، به پای خویش، راهی چاهسار غیبت شد؟ مگر نه
اینکه بیوفایی و ناشکیبایی و پراکنده دلی مدعیان حب و ایمان،
سبب رخ پوشانیدن و دوری گزیدن و در زندان نهان زیستن آن
محبوب عالمیان است که خود، در لفافی از اندوه فرمود:

اگر شیعیان ما - که خدا آنان را بر طاعت خود
توفیق دهد - بر پایه شناختی شایسته و صادقانه،
در راه وفا به پیمانی که بر دوش دارند همدل
می‌شدند برکت دیدار ما از ایشان واپس نمی‌افتاد
و سعادت دیدار ما برای آنان زودتر دست می‌داد،
پس ما را از ایشان دور نمی‌دارد مگر رفتار
ناشایست و ناپسند آنان که خبرش به ما می‌رسد.

آری، از جذبه اوست که پرستوی عشقش در دل شوریدگان آشیان
می‌کند. از شراره اوست که آتش ارادتش در جان دلدادگان زبانه می‌کشد.
از بادآوری اوست که گلبن بادش در روان فریفتگان بهار می‌آفریند.
هیچ عاشق خود نباشد وصل جو که نه معشوقش بود جویای او
از این روست که درک محبت و مودت او - همانند حب خدا و
پیامبر - نیازمند به تلاش و تکاپوی دشوار و توانفرسا نمی‌باشد. کافی
است سراجی دل را به اشک توبه بشویی و به مژگان استغفار بروبی و
به دو پاسدار تقوا و اخلاص بسپاری تا دریچه‌اش را هر بامداد به سوی
آفتاب ولایت بگشایند که سر لوحه ایمان هر مؤمن را این گفته‌اند:

هیچ بنده‌ای به خدا ایمان نیاورده مگر آنگاه
که مرا بیش از خودش دوست بدارد و فرزندان مرا
بیش از فرزندانش و خاندان مرا بیش از خاندانش.
(پیامبر اکرم ﷺ)

به ویژه که دوستی و سرسپردگی به آستان مهدی علیه السلام با شور و اشتیاق ظهور شکوهمند و جهانگیر او در هم می آمیزد، راستی:
 کدام انسان حق پرستی است که آرمان حکومت عدل و حق را در سر نپرورد؟

کدام روان شرافتمندی است که با نوید امنیّت و آزادی همگانی، حیات تازه نگیرد؟

کدام تن ستم کشیده‌ای است که به امید روزگار مساوات و برابری، بر کوشش و مقاومت نیفزاید؟

کدام جان درد آشنایی است که با یاد پرچمدار الفت و برادری، آرامش و آسایش نیابد؟

کدام چشم جستجوگری است که در انتظار جمال انسانیّت و مردانگی، به اشک ننشیند؟

کدام دل اندوهباری است که از شوق پایان غیبت و پنهانی، شادمانه نتپد؟

بس کن، ای جگر سوخته قلم، نالیدن را، گریستن را، و شور آفریدن را، که این سوز را درمانی و این فراق را پایانی نمی بینم، جز هنگامه ظهور، که آن را نیز، زمانی معین نیست و یا اگر هست:

﴿لَا يُجَلِّئُهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ﴾

جز خداوند، زمان آن را روشن نخواهد کرد.

(اعراف / ۱۸۷)

اما، چه سود؟ که اگر من بس کنم قلبهای گداخته از شوق مهدی علیه السلام آرام نخواهند نشست و اگر من ننویسم قلمهای آکنده از اشتیاق منجی، بیکار نخواهند ماند. همان گونه که در این یازده قرن، بسیاری از عالمان نامی و دانشوران گرامی، از شیعه و سنی، در عرصه شناخت حضرت مهدی علیه السلام آثاری گرانقدر از خود به یادگار نهاده‌اند که نام نیکشان را جاودانه ساخته است.

از جمله کسانی که در این عرصه، برای آگاه ساختن مردم مشتاق کمر همت بسته و الحق موفق گردیده، مرحوم آیه الله سید محمدتقی موسوی اصفهانی (معروف به احمدآبادی) است.

وی به سال ۱۳۰۱ ه. ق. در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات دینی را نزد پدر بزرگوارش مرحوم میرزا عبدالرزاق موسوی آغاز نمود و به تدریج به درس بزرگان علم و تقوای آن شهر راه یافت و از محضرشان بهره‌ها برد و از بعضی ایشان اجازه روایت و اجتهاد دریافت داشت که برخی از آنها عبارتند از:

- ۱- استاد بزرگ فقه و حدیث، مرحوم آیه الله سید ابوالقاسم دهکردی
 - ۲- ادیب و فقیه و محدث نامی، مرحوم آخوند ملا عبدالکریم جزوی
 - ۳- حکیم دانا و عارف پارسا، مرحوم آخوند ملا محمدکاشی
- مؤلف از آغاز جوانی نسبت بساحت قدس ولی عصر ارواحنافداه محبت و ارادت تامی داشت و بیشتر اوقات فراغت را به کاوش و پژوهش اخبار و احادیث مربوط به مهدویت می‌گذرانید. و در دوران

عمر کوتاه و پربرکتش حدود ۱۷ کتاب و رساله نگاشت که از آن میان کتاب پراج مکيال المكارم في فوائد الدعاء للقائم عجل الله فرجه می باشد.

این کتاب همانگونه که از نامش پیداست در باره لزوم و ضرورت و آداب و کیفیت دعای خیر بر وجود اقدس حضرت بقیة الله المنتظر عجل الله فرجه و آثار و خواص این عمل پسندیده می باشد. و الحق که به جهت وسعت و عمق مطالب در این موضوع نظیر و مانند ندارد. در باره انگیزه نگارش این اثر ارزشمند شرحی در مقدمه آن آمده که خلاصه اش این است:

بر پایه نوامیس دین و خرد، از لازمترین و سزاوارترین کارها، ادای حق کسی است که بر ما حقی دارد و نیک رفتاری با کسی است که به ما احسان کرده است. بی هیچ تردید و به یقین کسی که بیش از همه مردم، بر ما حق دارد و بیشتر از همه به ما نیکی می نماید، همان بزرگ مردی است که خدا، شناخت وی را کمال دینداری ما و عقیده به او را اوج یقین ما و انتظار قیامش را والاترین کردار ما و دیدارش را بالاترین آرزوی ما قرار داده است یعنی حضرت صاحب الزمان - که خدا ظهورش را زودتر برساند و میان او و ما در دنیا و آخرت جدایی نیندازد - از آنجا که ادای حقوق

بسیار و سپاس الطاف بی شمار او مقدور ما نیست؛
 باید که به اندک بضاعتِ خود بسنده کنیم که
 عبارت است از انتظار نهضت او و دعا و نیایش در
 باره او و تلاش برای تقرب و خشنودی او ...

پیشترها من در اندیشه بودم که در این زمینه
 کتابی بنگارم، اما درد و غم روزگار مرا از کار
 بازمی داشت تا شبی در خواب، مولای مهربانم و
 محبوب دل پریشانم: امام منتظر عجل الله فرجه پر من
 تجلی نمود و به بیانی شیرین تر از وصال یار و
 دل انگیزتر از آوای هزار مرا فرمود:

این کتاب را بنویس و عربی هم بنویس و نام آن را بگذار
 «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام»
 پس تشنه کام و سوخته جان بیدار شدم و تصمیم به
 انجام فرمانش گرفتم، آنگاه راهی خانه خدا گشتم
 و در آنجا بیماری مرگ زای و با همه گیر شد. از خدا
 خواستم تا مرا به برکت نگارش این کتاب از آن
 مهلکه رهایی بخشد و اجابت فرمود. اینک در
 برابرت کتابی می بینی همچون باغ بهشت، دارای
 هشت باب، که چشمه سار معانی در آن روان است
 و میوه های پند و اندرزش در دسترس همگان.

تهیه و تنظیم مطالب کتاب مکیال المکارم و تدوین و تصنیف آن هفده سال از عمر پُربار نویسنده بزرگوار را به خود اختصاص داد و سرانجام نیز با رحلت وی این کتاب گرانقدر ناتمام ماند. آری کتابی که بیش از هزار و هفتصد حدیث - و اغلب در موضوع مهدویت - ضمن گفتارهای آن مورد تحقیق و استناد قرار گرفته و در آن یکصد و ده دلیل بر لزوم دعا و فایده برانجام دعا و هشتماد وظیفه برای شیعه نسبت به امام غایب ذکر شود، نیاز به چنین صرف وقت و همت خواهد داشت.

خوشبختانه این کتاب سودمند به قلم آقای سید مهدی حائری قزوینی - یکی از فضیلات محترم حوزه علمیه قم - ترجمه و تاکنون دوبار توسط دفتر تحقیقات و انتشارات بدر به چاپ رسیده و در دسترس دوستداران و ارادتمندان حضرتش قرار گرفته است.

علاوه بر کتاب مکیال، در میان آثار متعدد نویسنده، سه کتاب زیر نیز در موضوع مهدویت جلب توجه می‌کند:

۱- وظیفه الانام فی زمن غیبة الامام در دو جلد که به تازگی توسط انتشارات دبستانی تجدید چاپ شده است.

۲- نور الابصار فی فضیلة الانتظار

۳- کنز الغنائم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام

در ضمن، بخش عمده‌ای از کتاب «ابواب الجنات فی آداب الجمععات» ایشان نیز به مناسبت روز جمعه در باره امام عصر عجل الله فرجه نگاشته

شده است.

در جهت احیای آثار ارزشمند این مؤلف گرانقدر و کوششی فزونتر برای گام برداشتن در مسیر امام عصر علیه السلام دو رساله «نورالابصار» و «کنزالغنائم» ایشان را برای چاپ برگزیدیم. از طرفی نسخه‌های خطی این دو رساله چنان کمیاب بود که حتی در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه آستان قدس رضوی (مشهد) و نیز کتابخانه مجلس شورای اسلامی یافت نشد و این خود تأییدی بر ضرورت گزینش و تجدید چاپ آنها بود.

این دو رساله برای نخستین بار تحت عنوان «راز نیایش منتظران» در زمستان ۱۳۵۸ توسط انتشارات بدر منتشر گشت و چندین بار تجدید چاپ گردید.

و اینک، از آنجا که جملات کتاب، بر اثر فاصله زمانی برای دستداران و خدمتگزاران آستان آن حضرت نامأنوس و ناآشنا گردیده بود، مصمم شدیم که به روال آنچه در دیگر جوامع علمی جهان مرسوم است، این جملات را به صورت روانتر و نزدیکتر به زمان خویش درآوریم و با ویرایشی جدید توسط آقای دکتر قرخ فتاح‌زاده ارائه دهیم تا بهره‌وری آن بیشتر و همگانی‌تر گردد.

دفتر تحقیقات و انتشارات بدر

نُورُ الْأَنْبِطَارِ

فِي فَضِيلَةِ الْإِنْتِظَارِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَهُوَ حَسْبِي

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُنْعِمِ الْمَنَّانِ الَّذِي جَعَلَ
إِنْتِظَارَ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ أَفْضَلَ عِبَادَاتِ
أَهْلِ الْإِيمَانِ وَ الصَّلَاةُ عَلَى نَبِيِّهِ وَ صَفِيَّتِهِ
مُحَمَّدٍ الَّذِي نَزَلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ وَ عَلَى آلِهِ
الْمَعْصُومِينَ أَمْنَاءِ الرَّحْمَنِ وَ حُجَجِ اللَّهِ عَلَى
الْإِنْسِ وَ الْجَانِّ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَهْلِ
الْكُفْرِ وَ الطُّغْيَانِ.

این بنده شرمنده محمدتقی فرزند عبدالرزاق موسوی اصفهانی
که خداوند متعال از هر دوی آنها درگذرد، به برادران ایمانی عرض می‌نمایم که از
افضل عبادات در این اعصار، انتظار فرج و ظهور آخرین امام پاکی
است که خدا او را برای خونخواهی (امام حسین علیه السلام) و گرفتن انتقام از
بدان و کفار اندوخته است، یعنی آن امام پنهان از دیدگان، القائم

الْمُنْتَظَرِ الْمَهْدِيِّ حُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام است، بنا بر این تنها برای خدمت به آن بزرگوار و به جهت راهنمایی دیگران به سوی این امر مهم، بعضی از اخبار ائمه اطهار عليهم السلام را در فضیلت این انتظار، در این مجموعه مختصر جمع نمودم.

امید آنکه از جمله یاران آن امام نیکان به شمار آیم. این کتاب را «نُورُ الْأَبْصَارِ فِي فَضِيلَةِ الْإِنْتِظَارِ» نامیدم که شامل یک مقدمه و سه مقصد و یک خاتمه می باشد.

مقدمه

بدان که نیت مؤمن در انتظار، باید فرمانبرداری از خداوند جهانیان و محبت به پیامبر او و ائمه اطهار عليهم السلام باشد تا به خواست الهی به پاداش کامل انتظار برسد و رستگار گردد.

مقصد اول

ثواب و فضیلت انتظار

حال روایاتی را در ثواب و فضیلت انتظار، به اختصار بیان می‌کنیم:
در کمال الدین از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:
هر یک از شما با ایمان و در حال انتظار بمیرد،
مانند کسی است که در خیمه حضرت قائم علیه السلام و در
خدمت آن جناب باشد.

و در حدیث دیگر از پدران خود از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام چنین
نقل می‌فرماید:

هر کس انتظار فرج ما را داشته باشد مانند
کسی است که در راه خدا در خون خویش غلتیده
باشد.

و در حدیث دیگر حضرت صادق علیه السلام فرمود:

خوشا به حال شیعیان قائم ما، که در زمان
غیبت او، انتظار ظهورش را داشته باشند، و از او
اطاعت نمایند، ایشان اولیای خدا هستند که در
روز جزا ترس و حزنی ندارند.

و از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که:
برترین عبادتها انتظار فرج است.

و در بحارالانوار از عبدالحمید واسطی منقول است که:
«به حضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم که: ما دست از بازار و
کسب و کارهای خود برداشته‌ایم، زیرا که انتظار این امر را داریم، به
گونه‌ای که بعضی از ما نزدیک است به حال گدایی بیفتد.» امام فرمود:
ای عبدالحمید! آیا گمان می‌کنی کسی که در
راه خدا چنین کند، خداوند فرج و گشایش به او
ندهد؟ خدا رحمت کند بنده‌ای را که خودش را
برای یاری ما نگاه می‌دارد، خدا رحمت کند
بنده‌ای را که امر ما را احیا می‌کند.

گفتم: «اگر پیش از ظهور قائم شما - به حال انتظار - بمیرم، چه
ثوابی دارم؟» فرمود:

هر کس از شما که در حال انتظار حضرت
قائم علیه السلام از دنیا برود، و عزم یاری کردن او را در

زمان ظهورش داشته باشد، مثل کسی است که در رکاب او جهاد کرده و شهید شده باشد.

و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است که فرمودند:
انتظار فرج، از برترین اعمال است.

و در احتجاج از آن حضرت روایت است که به ابو خالد کابلی فرمودند:

زمان غیبت ولی خدا طولانی می شود - که دوازدهمین جانشین حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ائمه بعد از آن جناب است - ای ابا خالد، به درستی مؤمنانی که در زمان غیبت او می باشند و اعتقاد و یقین قطعی به امامت وی دارند و انتظار زمان ظهورش را می کشند، از اهل هر زمانی بهترند، زیرا که خداوند تبارک و تعالی چنان عقل و هوشی به آنها عطا فرموده که غایب بودن امامشان با حضور او نزد ایشان یکسان است، و آنها را در آن زمان به منزله کسانی قرار داده که در خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله با کفار به وسیله شمشیر جهاد نمودند. ایشان به حقیقت مؤمنان خالص و شیعیان ما می باشند و آنها دعوت کنندگان به سوی دین خدای عزوجل، در آشکار و نهان می باشند.

و در خبر دیگر است که فرمود:

هر مؤمنی که در زمان غیبت قائم علیه السلام ما بر
ولایت ما ثابت بماند، حق تعالی ثواب هزار شهید
را، شهدایی چون شهدای بدر و اُحد، به او عطا
می‌فرماید.

نشانه ولایت، انتظار همیشگی می‌باشد و آنگاه است که چنین
ثوابی را می‌توان برای آن در نظر گرفت.

صقر بن ابی دلف نقل می‌کند که از حضرت امام محمد تقی علیه السلام
شنیدم که فرمود:

امام بعد از من پسر من علی است، امر او امر
من است و گفتار او گفتار من است، و اطاعت او
اطاعت من. و امام بعد از او پسرش، حسن است،
امر او امر پدرش، علی است و سخنش سخن وی و
اطاعت از او اطاعت از پدر اوست.

آنگاه ساکت شدند. گفتم «یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله پس امام بعد از امام
حسن عسکری علیه السلام کیست؟» حضرت گریه شدیدی نموده فرمودند:

بدرستی که امام بعد از امام حسن عسکری علیه السلام
پسر اوست، که قائم به حق و منتظر است.

گفتم: «ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، چرا او را قائم می‌نامند؟» فرمودند:

زیرا پس از آنکه نامش از میان رفته و بیشتر شیعیانش از دین برگشته‌اند قیام خواهد کرد.

گفتم: «چرا او را منتظر نامند؟» فرمود:

زیرا او غیبتی بسیار طولانی خواهد داشت تا مؤمنان خالص به انتظار او باقی مانند و تردیدکنندگان او را انکار کنند و منکران به تمسخر او پردازند و آنان که وقت ظهورش را تعیین کنند دروغگو می‌باشند و کسانی که عجله و شتاب کنند هلاک می‌شوند (یعنی از دین بر می‌گردند) و آنان که فرمانبردار ائمه خود هستند (یعنی چون و چرا نمی‌کنند و به دستور پیشوایان دین رفتار می‌کنند) نجات می‌یابند.

در مقدمه کتاب کنزالغنائم از عجله‌ای که باعث نابودی و هلاکت می‌گردد، سخن گفته‌ایم.

و از حضرت امیرمؤمنان، علی علیه السلام روایت است که فرمودند:
به انتظار فرج باشید و از رحمت خداوند ناامید
نگردید، به درستی که پسندیده‌ترین اعمال در نزد
خداوند انتظار فرج است.

و از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

هر یک از شما بمیرد، در حالی که انتظار ظهور
امام زمانش را داشته باشد، همچون کسی است که
با حضرت قائم علیه السلام در خیمه او باشد.

آنگاه اندکی سکوت نموده و بعد فرمود:
بلکه مانند کسی است که در رکاب او جهاد کند.

سپس فرمود:

نه، سوگند به خدا، همچون کسی است که در
رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله شهید شده باشد.

در این حدیث، سه درجه از پادشاهای منتظران ظهور قائم علیه السلام را به
تدریج بیان فرموده‌اند.

از امیرالمؤمنین علیه السلام حدیثی روایت شده که خلاصه‌اش این است:

خداوند به کسانی که در زمان غیبت امام
زمانشان، به انتظار ظهور او هستند، و دین خود را
محکم نگاه می‌دارند، پاداش کسانی را می‌دهد که
با آزادی کامل به احکام و عبادات عمل کرده‌اند،
اگرچه آنان به سبب پنهان بودن آن حضرت،
دسترسی به فهم احکام واقعی و عبادات حقیقی
نداشته باشند.

(یعنی به خاطر فضیلت انتظار، خداوند در مقابل انجام اعمال و

عباداتی که معلوم نیست درست باشد ولی بر اساس تکلیف فعلی آنهاست، اجر و پاداش اعمال و عبادات واقعی را می دهد.)

و در کتاب النجم الثاقب از غیبت شیخ طوسی (رحمة الله علیه) از مفضل نقل می کند: در نزد حضرت صادق علیه السلام سخن از کسی به میان آمد که در حال انتظار از دنیا برود پس آن حضرت فرمود:

هنگامی که حضرت قائم علیه السلام خروج کند کسی بر سر قبر مؤمن می آید، و به او می گوید که فلان، صاحب تو ظهور کرده است پس اگر می خواهی به او ملحق شو و اگر می خواهی در نعمت پروردگار خود باقی بمانی، (در همین جا بمان).

از این حدیث روشن می شود که زنده شدن در زمان ظهور آن بزرگوار یکی از فواید انتظار است، چنانچه این فایده در دعایی برای آن حضرت نیز آمده است.

و از ابی حمزه روایت است که گفت به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: «فدایت شوم، پیر و ناتوان شده ام و آجلم نزدیک شده است و می ترسم قبل از وقوع امر فرج شما بمیرم». فرمودند:

ای اباحمزه، هر کسی که به ما ایمان بیاورد و سخن ما را درست پندارد و منتظر زمان فرج ما باشد، مثل کسی می ماند که در زیر پرچم حضرت قائم علیه السلام شهید شده باشد، بلکه ثواب کسی را دارد

که در رکاب حضرت رسول ﷺ شهید شده باشد.

و در حدیث دیگری از آن حضرت است که فرمود:

هر کس از شما بمیرد در حالی که به انتظار فرج است، در نزد خداوند بر بسیاری از شهیدان بدر و اُحد برتری دارد.

و در برهان از مسعده روایت شده که گفت:

در محضر مبارک حضرت صادق علیه السلام بودم که پیرمردی قد خمیده، در حالی که به عصای خود تکیه نموده بود وارد شد، سلام کرد و حضرت جواب سلامش را دادند.

آنگاه عرض کرد: «ای پسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، دست خود را بدهید تا من ببوسم.» حضرت دست خود را دادند و او بوسید. آنگاه شروع کرد به گریه کردن. حضرت فرمودند: «ای شیخ چرا گریه می کنی؟»

عرض کرد: «فدایت شوم، صد سال است که عمرم در انتظار قائم شما گذشته است، هر ماهی که نو می شود، می گویم در این ماه ظاهر می شود، و هر سالی که تازه می شود، می گویم در این سال واقع می گردد. اکنون پیر و ناتوان شده ام و اجلم فرا رسیده و هنوز به مراد دل خود نرسیده ام و ظهور فرج شما را ندیده ام. پس چرا گریه نکنم و حال آنکه، برخی از شما (اهل بیت) در جای جای زمین، پراکنده شده اید و بعضی دیگر را می بینم که ستم دشمنان دین ایشان را از پای درآورده است.»

پس حضرت صادق علیه السلام گریان شده فرمودند:

ای پیرمرد، اگر تا زمانی که قائم ما را ببینی،
 زنده ماندی مقامی بس والا خواهی داشت، و اگر
 پیش از ظهور آن حضرت در انتظارش از دنیا
 رفتی، در روز قیامت در زمرة آل محمد علیهم السلام
 محشور خواهی شد، و اهل بیت محمد ما هستیم
 که او (به امت خود) فرمان داد که به (ریسمان)
 آنها چنگ زنند آن هنگامی که فرمود: «إِنِّي
 مُخَلَّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا
 لَنْ تَضِلُّوا، كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي.»
 به درستی که من دو چیز گرانبه در میان شما باقی
 می‌گذارم، پس اگر به آنها متوسل شوید، هیچ وقت
 گمراه نمی‌شوید، یکی کتاب خدا، قرآن، و دیگری
 عترت من، که اهل بیت من می‌باشند.

پیرمرد چون این بشارت بزرگتر را شنید، فریاد و ناله‌اش آرام گردید
 و گفت: «با وجود این مژده، دیگر باکی از مرگ ندارم.»
 آنگاه حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

ای شیخ، بدان که قائم ما بیرون می‌آید از
 صلب حضرت امام حسن عسکری علیه السلام، و او بیرون
 می‌آید از صلب امام علی النقی علیه السلام، و علی بیرون
 می‌آید از صلب امام محمد تقی علیه السلام، و محمد

بیرون می آید از صلب حضرت علی بن موسی علیه السلام،
و علی بیرون می آید از صلب حضرت موسی علیه السلام که
پسر من است و او از صلب من خارج گردیده
است، ما دوازده نفریم که همگی ما معصوم و
پاکیزه از هر گناه و پلیدی می باشیم.

یادآوری:

اختلافی که در ثواب انتظار در برخی روایات مشاهده می شود،
براساس درجات معرفت، تقوا و انتظار هریک از منتظران می باشد،
البتّه آنکه کاملتر باشد، پاداش او نیز بیشتر است.

مقصد دوم

واجب بودن انتظار

در این بخش از ضرورت انتظار ظهور حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه سخن خواهیم گفت و اینکه انتظار شرط پذیرش اعمال است. در اصول کافی از اسمعیل جعفی نقل شده است که: شخصی خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام آمد و نوشته‌ای همراه داشت، حضرت به او فرمودند: «آیا این نامه "مخاصم" است که از دینی پرسیده که به واسطه آن اعمال انسان به درجه قبول می‌رسد؟» عرض کرد: «بلی، خدا شما را رحمت کند، مراد من همین است.» حضرت فرمود:

آن دینی که به سبب آن اعمال قبول می‌شود
این است: شهادت به یگانگی خدا و اینکه شریک
ندارد، شهادت به رسالت خاتم انبیاء محمد صلی الله علیه و آله،
و اقرار به حقیقت سخنانی که از جانب خداوند

آورده است، دوستی با ما اهل بیت، و بیزاری از دشمنان ما، و فرمانبرداری از ما، پرهیزگاری از گناهان، و تواضع و انتظار ظهور قائم ما؛ زیرا به درستی که از برای ما دولتی است که هر وقت خدا بخواهد آن را ظاهر می‌گرداند.

و در غیبت نعمانی از ابوبصیر نقل می‌کند که:
روزی حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

می‌خواهید به شما خبر دهم از چیزی که بدون آن خداوند هیچ عملی را از بندگان نمی‌پذیرد؟

گفتم: آری. فرمود:

شهادت به یگانگی خدا، و آنکه حضرت محمد صلی الله علیه و آله بنده و پیامبر اوست، اقرار به آنچه خدا امر به آن فرموده، و دوستی ما (اهل بیت)، و بیزاری از دشمنانمان، و فرمانبرداری از ائمه اطهار علیهم السلام، و پرهیزگاری از گناهان، کوشش در اطاعت خدا (یعنی در ادای واجبات شرعیّه)، یقین (در اصول دین و حقیقت امرائمه طاهرین)، و انتظار ظهور حضرت قائم علیه السلام.

آنگاه فرمودند:

از برای ما دولتی هست که خداوند هرگاه
بنخواهد آن را آشکار می‌سازد.

و در کمال‌الدین از حضرت عبدالعظیم روایت است که فرمود:
خدمت آقای خود حضرت امام محمد تقی علیه السلام رفتم، و تصمیم داشتم
از آن جناب بپرسم که آیا قائم همان مهدی است یا فرد دیگری غیر از
اوست. پس آن حضرت پیش از سؤال من به اعجاز فرمودند:

ای ابالقاسم، به درستی که قائم ما همان مهدی
است، که انتظار او در زمان غیبتش و پیروی از او به
هنگام ظهورش واجب است، و او سومین نسل از
فرزندان من است.

و شیخ صدوق در کمال‌الدین به سند صحیح از حضرت
صادق علیه السلام چنین آورده است:

نزدیکترین حالات بندگان به خدا، که در آن
حال، خدا از آنها خشنودتر از هر زمانی است،
هنگامی است که امام آنها غایب و از نظر آنها
پنهان می‌باشد و مکان او را نمی‌دانند، و با وجود
این یقین دارند که حجت الهی موجود است. پس
در آن زمان باید هر "صبح و شام" به انتظار فرج
باشند.

البته هر صبح و شام کنایه از استمرار و دوام است؛ یعنی در هیچ حالی و در هیچ وقتی و در هیچ ماه و سالی نباید مأیوس از ظهور امام علیه السلام باشند، بلکه هر چه غیبت آن حضرت طولانی تر گردد باید امیدشان به وجود گرامی او محکمتر و ثابت تر شود، زیرا که طول غیبت از امور پنهانی است که ائمه ما علیهم السلام پیش از وقوع، از آن خبر داده‌اند.

هر دم در انتظار تو عمرم گذر کند

آن دم دگر امید مرا بیشتر کند

نوعی اثر نموده به قلبم جدایی‌ات

کاندر رگی ضعیف اثر نیشتر کند

معنای انتظار

انتظار امری قلبی است که نمودهای ظاهری فراوانی دارد و بر حسب درجات انتظار، اختلاف می‌یابند.

از اخبار چنین برمی‌آید که حدّ ضروری انتظار قلبی برای ظهور آن بزرگوار این است که مؤمن باید به یقین بداند که حضرت قائم علیه السلام، امام دوازدهم است و فرزند بی‌واسطه حضرت امام حسن عسکری علیه السلام می‌باشد، از روزی که متولد شده تا کنون زنده است، و با همین بدن و در همین عالم زندگی می‌کند و نمرده است و نخواهد مُرد تا اینکه ظاهر شود، و در همین عالم سلطنت کند، و جهان را پُر از عدل نماید و دین اسلام را در تمام دنیا رواج دهد، و ظهور او وقت معینی ندارد تا کسی آن را تعیین کند، بلکه هر لحظه ممکن است رُخ دهد و از سویی احتمال دارد سالهای بسیار دیگری به تأخیر بیفتد.

مؤمن در هیچ حالی و لحظه‌ای نباید از ظهور آن حضرت ناامید گردد، بلکه باید در همه اوقات و تمامی سالها امیدوار به ظهور خجسته آن بزرگوار باشد.

این خطاست که کسی از روی نادانی و خیال و گمان بگوید که او به زودی آشکار نمی‌شود، یا تا صدسال دیگر نیز ظهور نخواهد کرد، چنین سخنی خلاف بیانات پیشوایان ما است، بلکه به عکس، آنچه در اخبار فراوان به آن تصریح کرده‌اند این است که ظهور آن حضرت ناگهانی است و علامات حتمی ظهور مثل خروج سفیانی و صیحه آسمانی و قتل نفس زکیه همه در یک سال نزدیک به هم واقع می‌شود، چنانچه به تفصیل با شواهدی دیگر در «مکیال المکارم» آمده است. پس ممکن است که ظهور در همین سال واقع شود، و یا اینکه سالهای بسیار دیگری به تأخیر بیفتد، بنابراین مؤمن نباید هیچگاه ناامید گردد. همچنین سخن گفتن به اطمینان که ظهور در فلان وقت یا سال واقع می‌شود نیز خطاست، بلکه در روایات فراوان و معتبر به ما فرموده‌اند کسی را که برای ظهور امام عصر علیه السلام زمانی تعیین می‌نماید، تکذیب کنید، زیرا که این علم تنها اختصاص به خدا دارد.

تجلی انتظار در اعمال جسمانی

آنچه از آثار انتظار در اعمال ظاهری ما بابد وجود داشته باشد این است که مؤمن باید از گناهان پرهیز نماید، و صفات ناشایست را از

خود دور نماید، تا اگر زمان ظهور را درک نمود، مورد عنایت و احسان ایشان قرار گیرد، و آن حضرت از او خوشنود باشند نه دل آزرده. چنانچه در روایتی از ابوبصیر است که حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

هر کس دوست می‌دارد که از یاران حضرت قائم علیه السلام باشد، باید انتظار ظهور آن حضرت را بکشد، و عمل او بر اساس پرهیزگاری و تقوا باشد، و خود را به صفات خوب و اخلاق پسندیده آراسته گرداند، در حالی که منتظر ظهور آن حضرت است. چنین کسی اگر از دنیا برود و ظهور حضرت قائم علیه السلام بعد از او واقع شود، ثواب کسی را دارد که زمان حضور آن جناب را درک نماید و از یاران و اصحاب او باشد. پس در پرهیزگاری و تقوا بکوشید، و منتظر ظهور امام قائم علیه السلام باشید.

و در توقیعی از حضرت مهدی علیه السلام چنین آمده است:
 هر یک از شما باید به گونه‌ای رفتار نماید که به محبت ما نزدیک شود، و از کاری که خشم ما را برانگیزد پرهیز نماید.

انتظار قلبی کامل

انتظار قلبی کامل، این گونه حاصل می‌گردد که شخص مؤمن در

هیچ لحظه و حالی و مکانی از یاد امام خویش و انتظار قدوم مبارکش غافل نگردد، بلکه اگر در مجالس و محافل مردم حاضر می‌شود و با آنان گفتگو می‌کند، قلبش پیش امام علیه السلام باشد، و به انتظار و خیال و شوق وصال او باشد؛ همچون کسی که تنها یک فرزند با جمیع کمالات داشته باشد که بهره‌های فراوانی به او برساند، و به سفری رفته باشد و این پدر از جا و منزل او بی‌خبر باشد، آیا لحظه‌ای از خیال او بیرون می‌رود، یا آنکه جستجوی او را فراموش می‌کند؟ هرگز، بلکه شب و روز، و حتی در تمام ساعات و حالات و سکونات، محبوب او در پیش دیدگان وی است، چنانچه شاعر می‌گوید:

ای غایب از دو دیده چنان در دل منی

کز لب گشودنت به من آواز می‌رسد

اگر فرد مؤمن چنین محبتی به امام زمان خویش داشته باشد ایمانش کامل می‌شود، چنانچه از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که:

هنگامی ایمان فرد کامل می‌شود که من در نزد

او از خودش عزیزتر باشم، و فرزندان مرا از اولاد

خویش عزیزتر بدارد و خانواده من در نزد او

محبوبتر از اهل خودش باشند و امور وابسته به

من، در نزد او گرامی‌تر از امور خود او باشد.

و همین که انتظار قلبی به این درجه از کمال برسد، آثار ظاهری آن

نیز به نهایت خود خواهد رسید.

خاتمه

درجه کامل انتظار

در نشانه‌ها و آثار درجه کامل انتظار دوازده ویژگی را بیان می‌کنیم:

۱- شخص منتظر در فراق محبوب خود، پیوسته محزون و غمگین است، چنانچه حضرت رضا علیه السلام مؤمنان زمان غیبت امام زمان علیه السلام را این گونه توصیف می‌کند. به علاوه دلایل دیگری نیز برای اندوه مؤمن در زمان غیبت وجود دارد، مثل ضعف مسلمانان، چیرگی دشمنان، مخفی بودن احکام واقعی و خارج بودن حکومت از دست امام زمان علیه السلام و غیر اینها، که با ظهور آن حضرت و به خواست الهی تمامی آنها برطرف خواهد گشت.

۲- گریه در انتظار آن حضرت، همان گونه که از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است.

۳- پیوسته به یاد آن حضرت بودن و لحظه‌ای از ذکر او غافل نبودن.
 ۴- کناره‌گیری از دنیاداران و عدم معاشرت با آنها، مگر به اندازه نیاز و ضرورت.

۵- دعا کردن و طلب ظهور و فرج برای آن حضرت در بیشتر اوقات به ویژه لحظاتی که گمان اجابت دعا افزونتر است.

۶- تشویق و ترغیب مؤمنان به دعا و تقاضای دعا کردن از آنها زیرا منتظر حقیقی، به هر وسیله‌ای که احتمال نزدیک شدن وصال محبوب را زیاد کند متوسل می‌شود.

۷- هر چه غیبت امام طولانی‌تر گردد، شوق منتظر شدیدتر و زیادتر می‌شود.

۸- صبر نمودن بر شداید و سختیها در زمان انتظار محبوب، و آسان شمردن آنها در برابر رنجی که امام علیه السلام در دوران غیبت می‌برند.

در خرایج از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت است که به اصحاب خود فرمودند:

پس از شما گروهی خواهند آمد که پاداش هر یک نفر از آنها برابر ثواب پنجاه نفر از شماست.

گفتند: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله، ما با شما در جنگ بدر و احد بوده‌ایم، و قرآن در تعریف ما نازل شده است.» در پاسخ فرمود که:

شما به سختیهایی که آنها دچار می‌گردند مبتلا

نشده‌اید، و به اندازه‌ای که آنها صبر می‌کنند، صبر
نموده‌اید.

برای مؤمن هیچ‌گونه گرفتاری و سختی بالاتر از جدایی و غایب
بودن امام او نیست، و برتری مؤمنان این عصر، نسبت به زمانهای
گذشته به این دلیل است.

۹- آنگاه که منتظر به کمال خویش رسد، سختیها برای او شیرین
است زیرا به شوق وصال محبوب دردها را حس نمی‌کند.
لذت دیوانگی در سنگِ طفلان خوردن است

حیف از آن اوقات مجنون را که در هامون گذشت

۱۰- آنگاه که انتظار و محبت شدید گشت، خواب و خوراک فرد
کم می‌شود، تا به آنجا که توجهی به چیز دیگر نمی‌کند و حتی
خود را نمی‌شناسد، چنانچه پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در حال
نماز اینگونه بودند.

۱۱- اگر انتظار کامل گردد، شخص از هیچ چیز دنیا لذت نمی‌برد،

بلکه لذت او تنها در ذکر محبوب خویش است. شیخ سعدی

می‌گوید:

گر مرا هیچ نباشد، نه به دنیا، نه به عقبی

چون تو دارم همه دارم دگرم هیچ نباید

اختصار کتاب اجازه سخن بیشتر در این مقامات را نمی‌دهد.

۱۲- از نشانه‌های انتظار، آمادگی برای ورود محبوب است، و مهیا

بودن از برای ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام. این آمادگی، ویژگیهایی دارد:

- اول:** عزم حقیقی بر یاری و پیروی از ایشان؛
- دوم:** آراسته بودن به صفات نیک و پیراستگی از ناشایستگی‌ها و هر آنچه او نمی‌پسندد.
- آینه شو جمال پری طلعتان طلب**
- جاروب کن تو خانه و پس میهمان طلب
- سوم:** رعایت کامل واجبات و مستحبات و پرهیز از محرّمات و مکروهات.
- چهارم:** مهیا نمودن سلاح.
- پنجم:** پاسداری از حریم آن حضرت آنگونه که در کتاب وظیفه الانام بیان شده است.
- ششم:** مواظبت در خواندن دعای عهد کوچک و بزرگ که در وظیفه الانام و زاد المعاد ذکر شده است.

كَنْزُ الْفَنَائِمِ

فِي فَوَائِدِ الدُّعَاءِ لِلْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَهُوَ حَسْبِي
الْحَمْدُ لِلَّهِ وَوَسْلاَمٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ
اصْطَفَىٰ مُحَمَّدٌ وَآلِهِ سَادَاتِ الْوَرَىٰ، وَ لَعْنَةُ
اللَّهِ عَلَىٰ أَعْدَائِهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْجَزَاءِ.

این بنده شرمنده محمد تقی فرزند عبدالرزاق موسوی اصفهانی
(که خداوند از گناهان آنان درگذرد) به عرض برادران ایمانی خود می‌رسانم که:
چون از مهمترین وظایف این عصر، دعا کردن برای فرج خجسته و
والای امام عصر علیه السلام می‌باشد، همان که پایان‌بخش اوصیاست و
کمالات همه امامان هدایتگر را در وجود خویش دارد، او مولای ما
حُجَّةَ بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن
محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم الصلوة و السلام است،
و این کاری است که ائمه اطهار علیهم السلام اهتمام زیادی به آن داشته‌اند، و در
بسیاری از دعاهای ایشان دعای به وجود مبارک آن حضرت، و طلب
فرج او از خداوند متعال دیده می‌شود، و همچنین دعاهای فراوانی
تنها برای خود آن بزرگوار دارند که علمای بزرگ شیعه در کتب خویش

آنها را نقل کرده‌اند و حقیر برخی از آنها را در «ابواب الجنّات» و «مکیال المکارم» نقل کرده‌ام.

با استفاده از آیات و روایات فواید بسیاری در دنیا و آخرت می‌توان برای دعا بیان کرد، و این کمترین بندگان بیش از صد فایده جمع‌آوری نموده و در کتاب مکیال المکارم تألیف نموده‌ام و چون آن کتاب به عربی نگاشته شده است و بیشتر مردم نمی‌توانند از آن بهره ببرند، در جهت خدمتگزاری به آن بزرگوار و بهره‌برداری برادران ایمانی خود، مختصری از آن را به زبان فارسی جمع نمایم و آن را «کنز الغنائم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام» نامیدم که شامل یک مقدمه و هشت مطلب و یک خاتمه است.

قبل از مقدمه به خلاصه‌ای از آنچه در هشت مطلب بعد می‌آید می‌پردازیم:

- ۱- برترین اعمال ادای حقّ مؤمن است، و حقوق امام عصر علیه السلام زیادتیر و بزرگتر از حقّ هر مؤمنی بر ما می‌باشد.
- ۲- یکی از راههای ادای حقّ آن حضرت دعا کردن برای آن جناب، و دعا برای تعجیل فرج و ظهور آن حضرت است، و دعا برای او هیچ منافاتی با مقام والای ایشان، و احتیاج ما در اصلاح امور خود به آن بزرگوار ندارد.
- ۳- امامان ما دعاهای فراوانی در حقّ آن جناب و طلب فرج و ظهور ایشان دارند.

- ۴- علت اهتمام فراوان ائمه علیهم السلام در دعا برای امام زمان علیه السلام و اینکه هر قدر محبت شخص به آن جناب بیشتر گردد، سعی او در دعای به آن حضرت افزونتر می شود.
- ۵- برخی از فواید دنیوی که با دعا بر آن حضرت و طلب فرج و ظهور ایشان شامل حال مؤمن می گردد.
- ۶- برخی از فواید اخروی این عمل شریف.
- ۷- اوقاتی که دعا در آن ارزشمندتر است.
- ۸- نقل برخی از دعاهای پیشوایان معصوم علیهم السلام مربوط به امام عصر علیه السلام.

مقدمه

در برخی روایات از عجله نمودن در ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام نهی شده است. فرموده‌اند که عجله کردن در این مطلب سبب هلاک شخص می‌شود (مراد از هلاک، کفر و خروج از ایمان است)، البته این روایات، با اخبار فراوانی که در باره طلب تعجیل در فرج و ظهور ایشان آمده است منافاتی ندارد.

اگر به اختصار و سادگی بخواهیم در این باره سخنی بگوییم این است که: عجله‌ای که در اخبار آن را نکوهش کرده‌اند و موجب هلاکت انسان و ضرر و زیان او می‌شود، سه قسم است:

اول: عجله‌ای که سبب ناامیدی از فرج و ظهور آن حضرت شود، این شتاب به جهت کم‌طاقتی و کم‌صبری است که فرد می‌گوید: «اگر شدنی بود تا حال باید شده باشد». چنین سخنی در واقع انکار ظهور حضرت قائم علیه السلام می‌باشد.

دوم: عجله‌ای که منافات با تسلیم و رضای به امر خداوند متعال

داشته باشد و فرد بگوید: «چرا ظاهر نمی شود و برای چه وقتی گذاشته است؟»، بازگشت این اعتراض به خداوند عزوجل است، و چنین کسی پیرو شیطان است که به خدا اعتراض می کند، بلکه باید دعا کرد و اگر هم حق متعال در اجابت آن تأخیر فرمود، آن را مطابق حکمت دانست.

سوم: عجله ای که موجب پیروی از مدعیان دروغین و باطل شود. زیرا چنین فردی بر اثر شتابی که دارد، کم طاقت است، پیش از ظاهر شدن نشانه های حتمی به مدعیان باطل اعتماد می کند و به خیال خویش به شیطانهای انسان نما ارادت پیدا می نماید، و آنان را موعود منتظر می پندارد، چنانچه بسیاری به این سبب هلاک گشته اند (یعنی از دین برگشته اند)، با وجود آنکه طبق عقل و نقل برای امام علیه السلام نشانه های قطعی و مخصوصی است که تا چنین مشخصاتی در کسی یافت نشود نباید به او اعتماد نمود:

یکی آنکه نباید هیچگاه گناهی از او سرزند، دیگر آنکه شخص و نسب او معروف باشد، همه احکام الهی و تمامی زبانها را بداند، و در هیچ سوالی درنماند، و محتاج به پرسش از دیگران و مراجعه به کتاب نباشد، صاحب معجزه باشد، یعنی کاری انجام دهد که از کسی بر نیاید، همچون سخن گفتن با درختها و حیوانات و زنده کردن مردگان به دعا، و اثر نکردن آتش بر بدن او و امثال آن، که بارها از ائمه اطهار علیهم السلام دیده شده است، و اگر چنین نباشد با دیگران تفاوتی

نخواهد داشت.

و در غیبت نعمانی^(۱) از حضرت صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

اگر کسی ادعا کرد که قائم است، از او بنخواهید

تا کارهای خارق‌العاده‌ای را انجام دهد که جز از

عهدۀ امام بر نمی‌آید.

و دیگر آنکه روشنگر دین خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله باشد، نه آنکه از نزد خود

چیزی بیافریند و اختراع نماید. و علایم دیگری که مجال سخن گفتن از آنها در این مختصر نیست.

برای وجود مبارک امام زمان ما عجل الله تعالی فرجه و ظهور او علامتها و

ویژگیهایی تعیین شده، که برای کسی تردیدی باقی نماند و شبهه‌ای

ایجاد نگردد، و همهٔ جهانیان با اختلاف زبانها بر آن آگاه شوند. و این

حقیر بعضی از آنها را در کتاب وظیفه الانام آورده‌ام، و علمای گذشته

نیز همچون شیخ نعمانی و صدوق و مجلسی و دیگران (رَحِمَهُمُ اللهُ تَعَالَى)

در کتابهای خود بیان کرده‌اند.

در خانه اگر کس است **یک حرف بس است**

(۱) نام مبارکش محمد بن ابراهیم و شاگرد شیخ کلینی رحمته الله و بسیار جلیل‌القدر بوده است و کتاب او در نهایت اعتبار می‌باشد. این حدیث را کلینی نیز در اصول کافی با اندک تفاوتی آورده است.

مطلب اول

ادای حق مؤمن

در کتاب اصول کافی به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام چنین روایت شده که فرمودند:

خداوند با هیچ چیزی همچون ادای حق مؤمن عبادت نشده است.

و در احتجاج از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده:
هر آنکه دانش او نسبت به حقوق برادران مؤمن بیشتر است و آن را بهتر انجام می دهد مقام والاتری در نزد خدای متعال دارد.

حال که این مطلب روشن گشت باید دانست که در سراسر گیتی هیچ کس حقوقی بالاتر از امام زمان علیه السلام بر ما ندارد و به استناد احادیث فراوان، هستی و بقای ما، سکون و آرامش ما در این عالم، و

تمام نعمتهایی که به ما می‌رسد، غذایی که می‌خوریم و آبی که می‌آشامیم، به برکت وجود مبارک اوست و آنچه هست از منافع ذات مقدس اوست، گرچه او مانند خورشیدی به زیر ابر، پنهان می‌باشد، ولی تمام عالم از نور او روشن است و بهره‌ وجودی او به همه می‌رسد: (۱)

اگر نبود ز یمن وجود اقدس او

به پانصد نه ارض و سما، نه ماه و نه سال

برخی از حقوق آن بزرگوار، با دلیل و برهان در باب سوم مکیال المکارم بیان شده است که بالاترین آنها حق امام علیه السلام بر رعیت است، چنانکه در کتاب روضه کافی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل است:

بالاترین حقی که خدا آنرا واجب ساخته است

حق امام علیه السلام می‌باشد.

پس هرچه ما بکوشیم، نمی‌توانیم حق آن حضرت را چنانکه باید و شاید ادا نماییم، پس باید از آنچه می‌توانیم کوتاهی نکنیم، زیرا آن گونه که از آیات و روایات، بر می‌آید، «ولایت» از جمله اموری است که در روز قیامت در خصوص آن از هر کسی پرسش خواهد شد. چنانکه روایات ما در تفسیر آیه شریفه ﴿ثُمَّ لَنَسْئَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾ بر این مطلب تأکید دارند و راه ادا نمودن حق آن حضرت

وَإِنْ غَابَ عَنِ عَيْنِي كَوْنُ ظُهُورِهِ
إِذَا هِيَ تَخْتِ الْقَرْعِ حِينِ عُبُورِهِ

(۱) هُوَ الْعَلَمُ الْهَادِي بِإِشْرَاقِ نُورِهِ
أَلَمْ تَرَ أَنَّ الشَّمْسَ تَنْشُرُ ضَوْءَهَا

این است که بعد از شناخت او نسبت به ایشان مطیع و فرمانبردار باشیم، زیرا او صاحب امر ماست و خدای متعال فرموده:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ.﴾

ای ایمان آورندگان از خدا و پیامبرش و از

صاحبان امر پیروی کنید.

و مقصود از صاحبان امر کسی جز وجود مبارک امام زمان علیه السلام و یازده نفر از پدران پاک‌نهاد و بزرگوارش نمی‌باشد.

دستورهایی نیز از امام عصر علیه السلام، به ما رسیده است، مثلاً در توقیع شریفی است که می‌فرمایند:

وَ أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ

فَرَجُكُمْ.

برای فرج بسیار دعا کنید زیرا که همان گشایش

کار شماست.

پس بر هر مؤمنی است که نهایت کوشش خود را در جهت اطاعت از این فرمان به کار برد، به ویژه آنکه تمامی آن اخلاق شایسته که باید در کسی باشد تا ما او را دعا کنیم، در وجود مقدس آن حضرت جمع است، چنانچه این ویژگیها در کتاب مکیال المکارم به ترتیب الفبا ذکر شده است.

مطلب دوم

تحقیق در امر دعا

حال که روشن شد یکی از راههای ادای حق آن حضرت دعا بر ایشان و در خواست تعجیل در فرج و ظهور او می باشد، لازم است بدانیم که دعای ما منافاتی با این موضوع ندارد که در جمیع امور، ما نیازمند آن جناب هستیم، و آن بزرگوار در تمام فیوضات واسطه فیض الهی است، و بزرگترین شاهد این ادعا، امر خود آن حضرت است به خواندن دعا. و این مطلب از چند جهت قابل شرح است:

اول: گرچه آن حضرت در تمام صفات، کامل و واسطه همه مواهب و نعمتهای الهی می باشند، ولی به مقتضای بشریت، به حزن و اندوه، سختی و درد و بیماری مبتلا می شوند و خداوند برای دفع این امور اسبابی قرار داده که یکی از آنها دعا می باشد، و از این رو خود ایشان نیز دعا می کنند، و دیگران را نیز به دعا کردن در حق

خودشان امر می فرمایند. پس ما نیز به جهت محبت به آن جناب، باید دعا به آن وجود مبارک را، از مهمترین کارهای خود قرار دهیم، و این مطلب منافاتی با مقام والای ایشان نداشته و ندارد.

دوم: بنا بر حدیثی از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و توفیق شریف خود آن حضرت، یکی از علل غیبت امام عصر علیه السلام، کثرت گناهان ماست. پس از آنجا که این ما هستیم که مانع ظهور او می باشیم، باید نهایت تلاش خویش را در برطرف ساختن این مانع بکار بندیم و کوشش فراوان در توبه و دعا برای ظهور آن حضرت داشته باشیم.

سوم: دعا به منزله هدیه است، و هدیه بردن برای فردی بزرگ، دلیل نیازمندی آن شخص نیست، بلکه نشانه احتیاج هدیه برنده به جلب محبت آن بزرگ است. تفصیل این سخن در باب پنجم مکیال المکارم آمده است.

مطلب سوم

دعای ائمه علیهم السلام

از تحقیق و بررسی در حالات و زندگی ائمه طاهرین علیهم السلام درمی یابیم تا چه اندازه در امر دعا بر وجود حضرت صاحب الزمان علیه السلام و درخواست فرج آن جناب از خداوند متعال سعی و مداومت بسیار داشته اند، شاهد بر صدق این ادعا موارد ذیل می باشد:

دعای حضرت علی علیه السلام در ضمن حدیثی در غیبت نعمانی، دعای حضرت سید الساجدین علیه السلام در روز عرفه در حیفة و بعد از نماز ظهر و نماز عصر روز جمعه نقل شده در جمال الاسبوع، دعای حضرت صادق علیه السلام برای آن حضرت، بعد از نماز ظهر نقل شده در فلاح السائل و بحار الانوار، و دعای آن حضرت، در صبح بیست و یکم ماه رمضان نقل شده در اقبال الاعمال، و دعای حضرت امام

موسی کاظم علیه السلام بعد از نماز عصر نقل شده در فلاح السائل، و دعای حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده در جمال الاسبوع، و دعای امام محمد تقی علیه السلام نقل شده در کافی، و دعای امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده در مهج الدعوات و دعای خود آن جناب در کمال الدین، و قنوت نماز ظهر جمعه نقل شده در جمال الاسبوع، و دعای بعد از دو رکعت اول نماز نافله شب نقل شده در مصباح المتهجد و مفتاح الفلاح، و دعای روز بیست و پنجم ماه ذی القعدة، دعای صبح روزهای جمعه، و دعای بعد از نمازهای فریضه، و دعای وقت رفتن به مسجد در روز جمعه و دعای افتتاح، و دعاهاى فراوان دیگری که ذکر آنها در اینجا مقدور نمی باشد. حتی باید گفت که از عبارت دعای روز عرفه و روایت نقل شده در جمال الاسبوع در باب قنوت روز جمعه، و بعض دلایل دیگر، روشن می شود که هر دعای مؤمن، باید با دعای حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه و ظهوره آغاز شود و چون در این کتاب بنا بر اختصار است به همین مقدار بسنده می نمایم.

و شیخ جلیل محمد بن ابراهیم نعمانی رحمته الله از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که:

هنگامی که روز جمعه فرا می رسد در کنار
 عرش، منبری از نور برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله،
 امیر مؤمنان علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیهما السلام
 نهاده می شود و ایشان به منبر می روند و درهای

آسمان گشوده می شود و فرشتگان و ارواح همه پیامبران و مؤمنان جمع می شوند؛ هنگامی که وقت ظهر جمعه فرا می رسد ایشان این گونه دعا می کنند: خدایا، آن وعده ای را که در کتاب خود در این آیه شریفه داده ای نزدیک گردان: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...﴾ (خدای متعال به کسانی که ایمان آورده و عمل نیک انجام می دهند وعده داده است که آنها را جانشینان در زمین نماید) و این وعده ظهور امام عصر علیه السلام و چیرگی دولت حقی است که امامان ما در آخرالزمان به انتظار آن بوده اند. آنگاه پیامبران و فرشتگان نیز همین دعا را می خوانند و سپس آن پنج تن سجده می نمایند و می گویند: خدایا، غضب نما بر کسانی که حکومت تو را شکستند و بندگان شایسته و نیکوکار تو را خوار کردند و کشتند و خداوند نیز آنچه را که بخواهد مقدر می سازد و این امرتها در نزد خود او معلوم است.

ممکن است این پرسش پیش آید که اگر آن بزرگواران این گونه دعا می کنند پس چرا ظهور آن حضرت این مقدار به عقب افتاده است؟

در پاسخ باید گفت که ما وقت ظهور را نمی‌دانیم. ای بسا اگر دعای پیامبر خدا و ائمه و پیامبران و فرشتگان و مؤمنان نبود، هنگام ظهور در زمانهای بسیار دوری مقدر می‌گردید و اگر آنها سعی بیشتر نمایند این زمان نزدیکتر هم خواهد شد. پاسخهای دیگر به این پرسش را می‌توانید در کتاب مکیال المکارم مطالعه نمایید. در روایتی دیگر چنین آمده: از آن هنگام که خداوند دعای موسی و هارون را اجابت نمود تا چیرگی آنها بر فرعونیان چهل سال به طول انجامید. پس مؤمن باید صبر کند و از دعا کردن خسته و مأیوس نگردد.

مطلب چهارم

سرّ اهتمام امامان ما عليهم السلام در دعا

برای ظهور امام زمان عجل الله

دعا کردن برای کسی، لازمهٔ محبت به او می باشد. و اما بالاترین راه ایجاد محبت و دوستی این است که فرد مقابل را منشأ خیر و نیکی بدانیم؛ یعنی اگر به وجود خیر و نیک او معرفت و آگاهی پیدا کردیم، به او محبت می ورزیم و برای او دعا می کنیم و هر چه معرفت ما بیشتر گردد محبت ما افزونتر می شود و دعای ما زیادتیر و کاملتر خواهد شد.

روشن است که هیچکس به جز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام به صورت کامل از نیکیها و خیرات وجود امام عصر عجل الله اطلاع ندارد زیرا که آنها شجره طیبهٔ واحدی هستند و هیچ مخلوقی را شایسته نیست

که بر شئونات آنان احاطه یابد و همین برای نهایت سعی آنها در دعای برای وجود خجسته او و طلب پیروزی و گشایش کارش کافی است و از همین جا علت فرمایش حضرت صادق علیه السلام روشن می‌گردد. که فرمود:

«اگر من، دوران قائم علیه السلام را درک می‌نمودم تا

آخر حیات خویش خدمت او را می‌کردم.»

مؤمنان نیز این گونه‌اند، آنکه معرفتش نسبت به امام زمان علیه السلام بیشتر باشد، محبتش نیز افزونتر است و در نتیجه در دعای بر آن حضرت بیشتر می‌کوشد.

مطلب پنجم

منافع دنیوی دعا

در اینجا ده فایده از فواید دعا برای امام عصر علیه السلام و طلب ظهور و فرج او بیان می‌گردد:

۱- موجب طول عمر می‌گردد.

زیرا که دعا برای او در واقع صلۀ رحم با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است، و در تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام آمده است:

صلۀ رحم با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله واجبتر و بالاتر از

صلۀ رحم با خویشان است.

بنابراین، طول عمر که از آثار گفته شده در نتیجه انجام صلۀ رحم است مسلماً در اینجا به وجه برتری وجود خواهد داشت. چنانچه حضرت باقر علیه السلام می‌فرماید:

صله رحم اعمال را پاکیزه و بلا را دور می‌سازد
و حساب قیامت را آسان و عمر را طولانی
می‌گرداند.

بنابراین، هر کس به هر گونه خدمتی به امام زمان علیه السلام بکند، به این
منافع دسترسی خواهد یافت، به ویژه اگر دعایی را بخواند که به
زودی بیان خواهد شد که آن نیز موجب طول عمر فرد گردد.

۲- موجب دفع بلاها و وسعت روزی است.

در اصول کافی به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام آمده است:

دعا کردن برای فرد مؤمن در غیاب او، سبب

افزایش روزی و دورگشتن ناراحتیها می‌گردد.

مسئلاً اگر مؤمنی دارای فضیلتی باشد دعا در غیاب او، فائده
کاملتری را نصیب دعاکننده می‌گرداند. پس به هنگام غیبت امام
عصر علیه السلام دعا برای او که سرچشمه ایمان است بیش از هر دعای
دیگری سبب نایل گشتن به چنین بهره بزرگی خواهد شد.

۳- تداوم دعا بر آن حضرت باعث استجابات سایر دعاها می‌گردد.

در کتاب مکیال المکارم وجوه مختلفی برای این مطلب بیان شده
است. پس سزاوار است که مؤمن در ابتدای تمام دعاها خود برای
آن حضرت دعا کند و فرجش را از خدا بخواند.

۴- توفیق تشرّف به دیدار آن حضرت در بیداری یا خواب می شود. چنانچه در دعای دوم (که خواهد آمد) و دعاهای دیگر روایت شده است. و از حضرت صادق علیه السلام است که:

هر کس بعد از نماز صبح و ظهر بگوید: **اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ**
نمیرد تا به فیض ملاقات حضرت قائم علیه السلام برسد.

ظاهراً مقصود مداومت بر این ذکر است که شامل دعا برای محمّد و آل محمّد علیهم السلام و تعجیل در ظهور حضرت قائم علیه السلام می باشد. ۵- زیاد گشتن نعمتهای الهی، زیرا که به نصّ صریح آیه قرآن، شکر نعمت سبب افزایش آن می گردد و آن حضرت بالاترین نعمت الهی می باشد و به علاوه خود، واسطه تمام نعمتهای ظاهری و باطنی است. چنانچه اخبار فراوانی در این زمینه وجود دارد. امام سجاده علیه السلام به ابو حمزه ثمالی چنین می فرماید:

ای ابا حمزه! مبادا که در ساعات بین طلوع
فجر و طلوع آفتاب در خواب باشی زیرا که در آن
هنگام خداوند متعال روزی بندگان را به دست ما
برای آنها جاری می سازد.

پس شکرگزاری نعمت امام ضروری است و سبب افزایش نعمت می گردد و دعا برای ایشان نوعی شکرگزاری است. محمّد بن زیاد از دی نقل می کند که درباره تفسیر آیه:

﴿وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾

از امام موسی کاظم علیه السلام پرسش کردم، ایشان فرمودند:
نعمت ظاهر، امام آشکار است و نعمت پنهان،
امام غایب می باشد.

گفتم آیا می شود که یکی از امامان غایب گردد؟ فرمود:
آری، او از چشمان مردم پنهان می گردد ولی
یادش از دل مؤمنان بیرون نمی رود. او دوازدهمین
امام می باشد که خداوند هر مشکلی را برای او
سهل می نماید و هر ناهمواری را برایش هموار
می سازد.

۶- دعای آن حضرت، یاری خدا را به همراهی آورد و سبب غلبه
شخص دعاگو بر دشمنانش می گردد.

زیرا که دعا برای آن حضرت در واقع یاری کردن اوست و یاری او
یاری خداست و خداوند در چند جای کتاب خویش وعده کرده
است که یار کسی خواهد بود که او را یاری می کند.

﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ﴾

به طور حتم خداوند آنکه را که او را یاری دهد، کمک خواهد کرد.

﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾

اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری خواهد کرد.

۷- در زمان ظهور آن حضرت به دنیا بازمی‌گردد.

چنانکه در کتاب حدیقه الشیعة از حضرت صادق علیه السلام و همچنین در فضیلت خواندن دعای عهد در کتب مختلف بیان شده است.

۸- دعای بر آن حضرت باعث استواری ایمان و نجات از مهلکه‌ها و فتنه‌های آخرالزمان است.

دلیل بر این سخن، حدیثی است که شیخ صدوق رحمته الله در کمال الدین از احمد بن اسحاق قمی نقل می‌کند. او می‌گوید:
خدمت امام حسن عسکری علیه السلام رفتم تا درباره جانشین آن حضرت از او سؤال کنم ایشان فرمودند:

ای احمد بن اسحاق، خداوند زمین را از زمان خلقت آدم تا کنون و تا قیامت از "حجّت" خالی نگذاشته و نخواهد گذاشت و "حجّت" همان کسی است که به برکت او بلا را از اهل زمین دور می‌سازد و باران را نازل می‌کند و برکات را از زمین بیرون می‌آورد.

احمد بن اسحاق می‌گوید: عرض کردم ای فرزند پیامبر خدا، امام و جانشین بعد از شما کیست؟ آن حضرت با شتاب به داخل خانه رفت و پسری سه ساله را که رویی چون ماه تمام داشت بیرون آورده فرمود:

ای احمد بن اسحاق! اگر تو نزد خدا و
حجت‌های او گرامی نبودی، این پسر را به تو نشان
نمی‌دادم. او همنام و هم‌کنیه پیامبر است و زمین
را همان‌گونه که از ظلم و ستم پرگشته است از
عدل و داد آکنده خواهد ساخت.

ای احمد بن اسحاق! مثال او در این امت همانند
خضر و ذوالقرنین است. به خدا قسم که غیبتی
طولانی خواهد داشت که از هلاکت نجات
نمی‌یابد مگر کسی که خدا او را در اعتقاد به
امامت او ثابت‌بدارد و به او توفیق دعا برای ظهور
و فرج او را بدهد.

گفتم: آقای من نشانه‌ای به من بنما تا دلم آرام گیرد. ناگاه آن پسر به
زبان عربی فصیح فرمود:

منم باقیمانده الهی بر روی زمین و انتقام‌کشنده از
دشمنان خدا. ای احمد بن اسحاق، دیگر با این
نشانه‌ای که دیدی در پی علامتی مباش!

۹- به برکت آنان که برای ظهور امام عصر علیه السلام دعا می‌کنند، خداوند
بلا را از دیگران دور می‌سازد.

زیرا در فایده قبلی گفته شد که دعا باعث ثبات ایمان و نجات از
فتنه‌های آخرالزمان است و نتیجه آن شامل حال دیگران نیز خواهد

شد و به برکت وجود آنها دیگران نیز از بلاها محفوظ می مانند چنانچه در بحارالانوار از حضرت صادق علیه السلام چنین آمده است:

زمانی برای مردم خواهد آمد که امام آنها پنهان خواهد بود؛ خوشا به حال کسانی که در آن زمان بر ولایت ما استوار بمانند. کمترین پاداشی که آنان می برند این است که خدای متعال به آنها می گوید: ای بندگان من که به سر من ایمان آوردید و حجت پنهان مرا راست پنداشتید، مژده باد بر شما به پاداش نیکویی از جانب من. شما بندگان و کنیزان من. کارهای نیکتان را از شما می پذیرم و از کارهای زشتتان در می گذرم و شما را می آمرزم. به برکت شما باران بر بندگان نازل می کنم و بلا را از آنها دور می سازم، اگر شما نبودید عذاب خود را بر آنها نازل می ساختم.

۱۰- امید آن است که به برکت دعا و تضرع برای ظهور آن حضرت، این امر عظیم جامه تحقق به خود گیرد.

شاهد بر این سخن حدیثی است که از حضرت صادق علیه السلام می آوریم:

خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام وحی فرمود که پسری به او خواهد داد. چون خبر به ساره رسید

گفت: چگونه ممکن است فرزندی از من زاده شود در حالی که من پیرزنی هستم و از زمان بارداری من گذشته است؟ خدای متعال به ابراهیم فرمود: به همین زودی فرزندی از ساره برای تو به دنیا خواهد آمد ولی در ازای آنکه وحی ما را از روی شگفتی انکار نمود، فرزندان او چهارصد سال به دست دشمنان گرفتار و معذب خواهند شد. بنی اسرائیل گرفتار فرعونیان گشتند و چون گرفتاری آنها به طول انجامید چهل روز گریه کردند و از او تعجیل فرج را خواستند. خدای متعال به موسی و هارون وحی فرمود که آنها را از عذاب فرعونیان نجات خواهد داد. در حالی که هنوز صد و هفتاد سال از آن چهارصد سال باقی مانده بود.

آنگاه حضرت صادق علیه السلام فرمود:

شما نیز اگر چنین می‌کردید و همه با هم به درگاه الهی ناله کرده و فرج ما را می‌خواستید، البته خداوند فرج ما را ظاهر می‌ساخت، ولی چون شما این کار را نمی‌کنید این امر تا نهایت خود طول خواهد کشید.

فایده‌های اخروی تداوم بر دعا

بیش از صد فایده در کتاب مکیال المکارم ذکر شده است و چون در اینجا بنا بر اختصار می‌باشد تنها برخی از آنها را فهرست وار بیان می‌کنیم:

- ۱- بهره‌مند گشتن از شفاعت رسول خدا ﷺ در قیامت
- ۲- بهره‌مندی از شفاعت حضرت فاطمه علیها السلام
- ۳- بهره‌مند شدن از شفاعت امام زمان علیه السلام
- ۴- دعا برای آن حضرت، نشان دادن محبت نسبت به اوست. در کافی از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است که:
اگر مؤمنی را دوست داری، محبت خود را به او اظهار کن، زیرا که این کار باعث افزایش و ثبات دوستی می‌گردد.

۵- دعا برای آن حضرت و طلب ظهور او نشانه انتظار می باشد و برای انتظار پادشاهای فراوانی وجود دارد.

۶- به وسیله دعا، یاد و نام آن حضرت زنده می گردد که این مطلب موجب سرور شخص در قیامت خواهد گشت.

۷- دعا، باعث دوری شیطان می گردد.

۸- با دعا، شاید بتوان برخی از حقوق آن امام را ادا کرد.

۹- دعا برای آن حضرت، تعظیم الهی است که خود روح عبادات می باشد.

۱۰- دعا نوعی وسیله طلبی است که در قرآن به آن امر شده:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ
الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا پیشه کنید و در راه او به جستجوی وسیله بپردازید و در راه او کوشش نمایید، بسا که رستگار گردید.

۱۱- از آنجا که دعا، نوعی اظهار دوستی به نزدیکان پیامبر خداست می تواند مزد رسالت آن حضرت باشد که:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾

بگو که برای پیامبری خویش مزدی از شما نمی طلبم مگر دوستی و محبت نسبت به نزدیکانم.

۱۲- آمرزش گناهان

- ۱۳- دعا برای امام زمان علیه السلام مؤمن را در زمره برادر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار خواهد داد که خود بالاترین مقام برای یک فرد است.
- ۱۴- دعا برای ایشان، پیروی از ائمه طاهرین علیهم السلام است.
- ۱۵- دعا، نوعی وفا به عهد خدا است که در قرآن به آن امر شده است.
- ۱۶- در واقع دعا برای آن حضرت، نوعی رعایت حق امانت الهی است که همان وجود مبارک امام علیه السلام می باشد.
- ۱۷- دعا باعث تابش نور امام در قلب فرد می گردد.
- ۱۸- کمک به نیکی و تقواست زیرا با ظهور او همه نیکیها آشکار می گردد.
- ۱۹- باعث هدایت به وسیله نور قرآن می گردد.
- ۲۰- پذیرش اعمال به برکت دعای بر امام زمان علیه السلام.
- ۲۱- اگر هدف از دعا برای امام عصر علیه السلام بهره برداری از علوم ایشان به هنگام ظهور می باشد، چنین کسی از ثواب طلب دانش نیز بهره مند خواهند بود.
- ۲۲- ایمنی از سختیها و جزای روز قیامت.
- ۲۳- پاسخ به دعوت خدای متعال و پیامبر اوست.
- ۲۴- دعاکننده با امیرمؤمنان علیه السلام در درجات و مقاماتش به روز قیامت همراه خواهد بود.
- ۲۵- دعاگو، محبوبترین خلق خدا می گردد.

- ۲۶- در نزد پیامبر خدا ﷺ گرامی ترین است.
- ۲۷- دعاکننده برای فرج و ظهور آن حضرت، اهل بهشت خواهد بود.
- ۲۸- دعای پیامبر خدا ﷺ شامل حال او خواهد بود.
- ۲۹- خداوند او را در عبادت یاری می کند.
- ۳۰- بهره مندی از ثواب یاری کردن به مظلوم
- ۳۱- رسیدن به پاداش کسی که بزرگان را گرامی داشته است.
- ۳۲- بهره مندی از پاداش کسی که خواهان خون بناحق ریخته مظلوم کربلا و دیگر مظلومان است.
- ۳۳- با دعا بر آن حضرت، پذیرش و قبول فرد نسبت به احادیث اهل بیت علیهم السلام افزون می گردد.
- ۳۴- در قیامت نوری از او ساطع است که همه از آن بهر مند می شوند.
- ۳۵- هفتاد هزار نفر از گناهکاران را شفاعت می کند و پذیرفته می شود.
- ۳۶- آرامش و اطمینان قلب در روز قیامت.
- ۳۷- تداوم در دعای بر آن حضرت، ثواب بیست حج یا بیشتر را دارد.
- ۳۸- ثواب عُمَره دارد.
- ۳۹- ثواب دو ماه اعتکاف در مسجد الحرام را دارد.

- ۴۰- ثواب دو ماه روزه با اعتکاف در مسجد الحرام را دارد.
- ۴۱- از آزاد کردن هزار بنده در راه خدا بهتر است.
- ۴۲- از دادن هزار اسب به مجاهدان در راه خدا بالاتر است.
- ۴۳- اهتمام در دعای فراوان برای ظهور آن حضرت از ده بار طواف به دور کعبه بالاتر است.
- ۴۴- صد هزار حاجت او در قیامت روا می‌شود.
- ۴۵- محشور شدن با پیامبر خدا و ائمه اطهار علیهم‌السلام
- ۴۶- بشارت به هنگام مرگ.
- ۴۷- فرشتگان در حق او دعا می‌کنند.
- ۴۸- سبب جراحی قلب شیطان می‌گردد.
- ۴۹- در روز محشر، آن هنگام که دیگران مشغول به حساب می‌باشند، او از غذاهای بهشتی بهره‌مند می‌باشد.
- ۵۰- از آفتاب قیامت در امان می‌ماند.
- ۵۱- در برزخ از عذابها و هراسهای آن عالم در امان است.
- ۵۲- سبب سُورور پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشد.
- ۵۳- در عالم قبر و برزخ رفیق و مصاحب نیکو پیدا می‌کند.
- ۵۴- حساب او در قیامت آسان است از گناهان او می‌گذرند و بر او سخت نمی‌گیرند.
- ۵۵- درهای بهشت برای او گشوده می‌گردد.
- ۵۶- دعای حضرت سجاد علیه‌السلام شامل حال او می‌گردد.

۵۷- دعا بر آن حضرت چنگ زدن به ریسمان الهی می باشد که خداوند بدان امر فرموده است:

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ﴾

۵۸- تو سَل و تمسک به اهل بیت پیامبر ﷺ بدین وسیله انجام می گیرد.

۵۹- با دعا بر آن حضرت، ثواب یک سوم همه عبادت‌های عابدان و یا حتی دو سوم آن نصیب فرد می گردد، به شرط آنکه او برای اظهار محبت و دوستی با امیرالمؤمنین علی علیه السلام این دعا را بخواند، در حالی که دستان خود را به حال زاری و تضرع گرفته باشد. مداومت بر این گونه دعا کردن اظهار محبت قلبی و زبانی و جسمانی به امیرمؤمنان علیه السلام می باشد. از پیامبر خداست که فرمود:

هر که علی علیه السلام را با دل و زبان دوست بدارد
خدا پاداش عبادت همه عابدان را به او خواهد داد.

۶۰- کامل شدن ایمان

۶۱- ثواب شهادت به همراه خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله را دارد.

۶۲- پاداش شهادت در حضور امام عصر علیه السلام را دارد.

۶۳- ثواب احسان کردن به امام را دارد.

۶۴- ثواب بزرگ داشتن عالم را دارد. زیرا که احترام و اکرام به عالم از جمله عبادات بس بزرگ است. در بحارالانوار از

حضرت صادق علیه السلام نقل است که:

هر کس مؤمنی فقیه را بزرگ دارد، خداوند در
قیامت از او خوشنود می‌گردد و هر کس حرمت او را
نگه ندارد خدای متعال در آخرت بر او خشم
خواهد کرد.

۶۵- پاداش بزرگداشت افراد کریم را دارد.

۶۶- از پاداش برخی احسانهای آن حضرت بهره‌مند می‌گردد.

۶۷- از اولوالامر اطاعت کرده است.

۶۸- با دعای بر آن حضرت به درجات شهدا و بلکه شهیدان

همراه امیرالمؤمنین علیه السلام می‌رسد.

۶۹- فرشتگان در مجلسی که برای امام عصر علیه السلام دعا می‌شود

حاضر می‌گردند.

۷۰- فضیلت دعا بر امام عصر علیه السلام در زمان غیبت ایشان بسیار

بیشتر از دعا در زمان ظهور و پیروزی آن حضرت است.

در اینجا به همین مقدار بسنده می‌کنیم و کسانی که خواستار نکات
بیشتری می‌باشند به کتاب مکمال المکارم مراجعه نمایند که در آنجا
این سخنان با ذکر احادیث فراوانی از ائمه اطهار علیهم السلام بیان گردیده
است.

یادآوری:

از آنچه گذشت روشن می‌گردد که در میان عبادات، دعا برای امام عصر علیه السلام دارای جامعیتی ویژه است و ثوابهای فراوانی از جهات مختلف شامل آن می‌شود.

یا ربّ آن طلعت زیبا ز پس پرده غیب

تو برون آور و ما را به لقایش برسان

آنچه مانع ز ظهورش شده از جا بردار

و آنچه اسباب ظهور است برایش برسان

دشمنانش همه تن‌ها ز روان خالی ساز

دوستانش همه را بوسه به پایش برسان

اما باید دانست که چنانکه از آیات و روایات بسیار، روشن می‌گردد، رسیدن به تمامی آن فواید و ثوابها سه شرط اساسی دارد:

شرط اوّل: وجود ایمان است و مقصود از آن یقین قلبی و اقرار زبانی به اصول دین و مذهب می‌باشد، که ایمان در سه مطلب خلاصه می‌شود:

اوّل: معرفت خداوند متعال و اعتقاد به یکتایی او و فهم صفات سلبیّه و صفات ثبوتیه که یکی از آنها عدل است.

دوم: معرفت رسول خدا حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و اعتقاد به خاتمیت آن حضرت و درستی هر آنچه فرموده است، که از آن جمله

است معاد و سایر ضروریات دین.

سوم: معرفت و شناسایی دوازده امام علیهم‌السلام که نخستین آنها حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و آخرینشان امام زمان حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه‌السلام باشند، و آنکه آن حضرت زنده است و غایب است و نخواهد مُرد، تا آنکه ظاهر شود و جهان را مملو از عدل فرماید. پس هرگاه کسی در یکی از این اعتقادات شک داشته باشد، مؤمن نیست و هیچ عملی از او قبول نمی‌شود، و اگر به آن حالت بمیرد نجات نخواهد یافت، و همچنین اگر یکی از ضروریات دین را منکر شود. (ضروریات دین حکمهایی هستند که اعتقاد به آنها ضروری هر مسلمانی که در اسلام نشو و نما کرده باشد واضح و روشن است که عدم اعتقاد به آنها ضرر و لطمه بزرگی به دین اسلام وارد می‌آورد و فرد منکر را از دایره دین خارج می‌سازد، همچون اعتقاد به واجب بودن پنج نماز در هر شبانه روز و واجب بودن روزه ماه رمضان و حرام بودن ربا و حرمت نوشیدن مشروبات الکلی و مانند اینها.)

شرط دوم: به دست آوردن تقوای واقعی است، بدان که تقوا به معنای پرهیزکاری است، و برای آن چهار درجه است که به تفاوت این درجات در ثواب و نحوه قبول اعمال شخص نیز اختلاف پیدا می‌شود:

درجه اول: پرهیز از گناهان کبیره است، و آن گناهانی است که در شرع اسلام، بزرگ شمرده شده است و هرگاه فردی این درجه را

حاصل نمود، گناهان صغیره او بخشوده می شود و به ثواب اعمال نیک می رسد و به بهشت وارد می گردد. و دلیل بر این سخن ما آیه شریفه زیر است:

﴿إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ

عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ نُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا﴾

اگر از گناهان کبیره ای که از آن نهی شده اید پرهیز کنید، ما گناهان کوچک شما را می بخشاییم، و شما را در جایگاهی نیکو وارد می سازیم.

و روایات دیگری هم مطابق این آیه وارد شده است. پس بر هر مؤمنی که خواستار ثواب الهی است و از عذاب حق تعالی ترسان است، لازم است که گناهان کبیره را بشناسد و از آنها پرهیز نماید. چنانچه در روایت نقل شده و دانشمندان دینی نیز بر این مطلب اتفاق نظر دارند که هرگاه بر انجام گناهی صغیره مداومت کنند آن گناه، کبیره می شود، در ضمن اگر چه ترک نمودن هر عمل واجبی حرام است، اما ترک برخی از واجبات - مانند ترک نماز - گناهی کبیره است. ولی عدم انجام بعضی از واجبات، گناه صغیره است و کبیره بودنش قطعی نیست مانند ترک جواب سلام، مگر اینکه باعث هتک احترام مؤمن و آزدگی وی شود.

درجه دوم: که بالاتر از درجه اول است؛ پرهیز نمودن از تمام

گناهان است، و واضح است که هر کس به این درجه رسد ثواب عباداتش کاملتر از مرحله نخست است، و تحصیل این دو درجه از تقوا با عنایت به آیات و روایات واجب است.

درجه سوم: که از هردو آنها بالاتر است، با ترک مکروهات به جهت اینکه دچار افعال حرام نگردد حاصل می‌شود.

درجه چهارم: که از آن سه درجه بالاتر است، ترک مباحات است (افعالی که نهی و یا امر خاصی در انجام یا عدم انجام آنها در احکام شرعی وارد نشده است). به این خاطر که مؤمن پرهیزکار می‌ترسد دچار اعمال مکروه و یا حرام گردد، و این دو درجه مقام مؤمنان کامل است که در هر عملی که از آنها صادر می‌شود رضای حضرت حق تعالی را در نظر می‌گیرند.

شرط سوم: از شروط رسیدن به ثوابهای کامل، پاک نمودن نفس از صفات ناشایست است، یعنی صفاتی که در باطن انسان کمین کرده‌اند تا بنده را از ساحت قرب الهی دور سازند. پس مؤمن می‌بایست صفاتی چون تکبر، حرص، حسد، کینه، نفاق، محبت دنیا، عجب و غیره را از خود دور نماید که با وجود آنها شخص به مطلوب خود نخواهد رسید. بعضی از صفات ناشایست - همچون محبت دنیا و مانند آن - چنان اثر سویی دارند که شخص را به کلی از ثواب محروم می‌کنند و حتی باعث زوال ایمان وی می‌شوند. تفصیل این مطالب وسعت بیشتری می‌طلبد پس به همین مقدار اشاره نمودیم.

من آنچه شرط بلاغ است با تو می‌گویم

تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال

پس هرگاه شخص مؤمن شرایط یادآوری شده را برای خود کسب نموده و در دعا برای وجود مبارک امام زمان علیه السلام سعی و مداومت نماید، و از خداوند متعال درخواست تعجیل در فرج و ظهور آن بزرگوار را کند، به خواست خدا به تمامی فواید و کمال پاداشهای گفته شده خواهد رسید.

اشکال و پاسخ:

چه بسا برای برخی کوتاه‌نظران بعید به نظر آید که: «چگونه به ازای عملی کوچک و مختصر، این همه ثواب و منافع دنیوی و آخروی داده می‌شود؟» و سه جواب به این شبهه داده می‌شود:

اول: آنکه این عمل شریف (یعنی دعا به جهت تعجیل در ظهور و فرج امام زمان علیه السلام) در نزد اهل بصیرت، عملی کوچک نیست تا آنکه پاداشش را بعید بدانند، بلکه در نهایت بزرگی و عظمت شأن است، و کوچکی و بزرگی هر چیزی را عارف و عالم به آن می‌داند، مثل آنکه گاهی جواهری کوچک، ارزشی بسیار بالا دارد، اما اهل خیره آن این ارزش را می‌داند و شایسته نیست شخص بی تجربه به آن فرد دانا اعتراض کند که: «چرا این جواهر را این قدر زیاد قیمت گذاشته‌ای؟» و عالم به شأن و قیمت این دعا، آفریدگار عالمیان و خاتم

پیغمبران و ائمه طاهرین علیهم‌السلام می‌باشند.

و دعا برای امام زمان روحی و ارواح العالمین له الفداء همچون شهادتین است، هر چند کوچک و مختصر است اما به محض گفتن آن، شخص کافر مسلمان، پاک و محترم می‌شود، و نباید کسی برای اختصار کلمه و آسانی آن، انکار آثار آن را نماید.

جواب دوم: ثوابهایی که حق تعالی به ازای هر عملی عطا می‌فرماید از راه تفضُّل است نه استحقاق شخص. و مثل این دعا و سایر عبادات، مثل هدیه‌ای است که شخص محتاج به خدمت شخصی کریم می‌برد، به یقین آن کریم ملاحظهٔ قیمت هدیه را نمی‌کند، بلکه به مقتضای کرم خود می‌بخشد و بزرگواری می‌فرماید. چه بسا گلی به او تعارف می‌کنند، و او هزاران انعام می‌دهد، و هر کس کرامت وی را تحسین می‌کند.

در حدیث است که کنیزی از کنیزان حضرت امام حسین علیه‌السلام گلی به آن حضرت تعارف کرد، آن جناب او را آزاد نمودند.

جواب سوم: تمام این بخشش‌ها و ثوابها که به دعاکننده در حق امام زمان علیه‌السلام عطا می‌شود، در واقع عطیهٔ خداوند متعال به خود آن حضرت است، و آن حضرت آنها را به فرد دعاکننده اکرام می‌نماید و واضح است که آن جناب استحقاق این مراتب و مافوق آنها را دارند. مثلاً هر گاه بزرگی، شخص بزرگ دیگری را میهمان نماید، نسبت به هر یک از همراهان، خادمان و غلامان او احسانها و بخششهایی

می‌کند که آنها به خودی خود لیاقت آن گونه بزرگداشت را ندارند، اما به جهت انتساب و تعلقشان به آن شخص بزرگ، مورد آن الطاف واقع می‌شوند، و اینها در حقیقت تجلیل و احترام صاحب آنها است. بنابراین، اگر اندکی کوتاهی در احترام گزاردن به هر یک از آنها بشود، باعث تکدر خاطر و گِیله آن شخص بزرگ می‌گردد. چنانکه کثرت ثوابها و بخششهایی هم که به زیارت‌کنندگان و گریه‌کنندگان حضرت سید الشهداء علیه السلام عنایت می‌شود، از جهت انتساب و تعلق ایشان به آن حضرت است، نه از بابت استحقاق خودشان.

نثار حُسن جمال حبیب اگر آرند

دو عالمی ز کریمان عجب بپندارند

مطلب هفتم

اوقات دعا

در این مختصر، به ذکر اوقات و حالاتی می پردازیم که اهتمام و تأکید بیشتر در دعا نمودن برای آن جناب و مسألت تعجیل فرج آن حضرت بیش از سایر اوقات شده است:

اول: در قنوت نمازها، چنانچه در قنوتهای متعدد از ائمه طاهرین علیهم السلام روایت شده، از آن جمله:

در مستدرک الوسائل روایت است که حضرت صادق علیه السلام به شیعیان خود امر می فرمودند که در قنوت نمازها بعد از کلمات فرج:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ

اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا

بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ. این دعا را بخوانید:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ شُخِصَتِ الْأَبْصَارُ وَ نُقِلَتِ
 الْأَقْدَامُ وَ رُفِعَتِ الْأَيْدِي وَ مَدَّتِ الْأَعْنَاقُ وَ أَنْتَ
 دُعِيتَ بِالْأَلْسُنِ وَ إِلَيْكَ سِرُّهُمْ وَ نَجَّوْا هُمْ فِي
 الْأَعْمَالِ. رَبَّنَا أَفْتَحْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا
 بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو
 إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا وَ غَيْبَةَ إِمَامِنَا وَ قِلَّةَ عَدَدِنَا وَ
 كَثْرَةَ أَعْدَائِنَا وَ تَطَاهُرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا وَ وَقُوعَ
 الْفِتَنِ بِنَا، فَفَرِّجْ ذَلِكَ اللَّهُمَّ بِعَدْلِ تَضَاهُرِهِ وَ
 إِمَامِ حَقِّ نَعْرِفُهُ إِلَهَ الْحَقِّ أَمِينِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

حقیر گوید: هر گاه نتواند این دعا را بخواند یا وقت تنگ باشد،

کفایت می کند اینکه بگوید:

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ وَ
 عَجِّلْ خِزْيَ أَعْدَائِهِ.

دوم: بعد از هر نماز واجب.

سوم: بعد از هر دو رکعت از نماز نافله شب.

چهارم: به خصوص هر صبح و شام.

پنجم: هر وقت آن حضرت را زیارت می‌کنی.

ششم: هرگاه می‌خواهی برای خودت دعا کنی، اول برای آن جناب دعا کن بعد در حق خودت. این امر از روایات و ادعیه استفاده می‌شود.

هفتم: روزهای پنجشنبه، به خصوص در جمال الاسبوع روایت فرموده که در روز پنجشنبه مستحب است که صد مرتبه بگویند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَاهْلِيكَ
عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ.

و از برای آن فضیلت بسیار است.

هشتم: روزهای جمعه، به خصوص وقت زوال آفتاب و بعد از نماز ظهر و عصر آن.

از حضرت صادق علیه السلام مروی است که برترین اعمال روز جمعه آن است که بعد از نماز عصر صد مرتبه بگویی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

نهم: روز عید فطر.

دهم: روز عید قربان.

یازدهم: روز عید غدیر.

دوازدهم: روز عرفه.

سیزدهم: روز بیست و پنجم ماه ذالقعدة که «دَحْوُ الْأَرْضِ» است.

چهاردهم: شب نیمه ماه شعبان.
 پانزدهم: روز نیمه شعبان.
 شانزدهم: تمام ماه رمضان.
 هفدهم: به خصوص شبهای ماه رمضان.
 هجدهم: به خصوص شب قدر.
 نوزدهم: به خصوص روز بیست و یکم ماه رمضان بعد از نماز
 صبح.

بیستم: روز عاشورا.
 و دلایل هر روز را در کتاب مکیال المکارم ذکر کرده‌ام.
 بیست و یکم: روز نوروز است، به ملاحظه حدیثی که در
 زادالمعاد مذکور است که حضرت صادق علیه السلام فرمودند:
 هیچ روز نوروزی نیست مگر آنکه ما انتظار
 فرج می‌کشیم.

پس مؤمن هم باید تأسی به امام خود نماید و در انتظار و دعاگویی
 او اهتمام بسیار نماید.
 بیست و دوم: هر وقت هم و غمی رخ دهد، باید مخصوصاً دعا
 برای امام زمان علیه السلام نماید و طلب رفع هم و غم آن حضرت را از حق
 تعالی بنماید. چون که از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که:
 هر وقت اندوهی عارض بر قلب امام عارض
 می‌شود، آن غم در قلوب شیعیانش هم اثر می‌کند.

و از این رو بعضی اوقات قلب مؤمن محزون و غمناک می شود، با وجود آنکه ظاهراً علتی از برای آن نمی یابد.

مطلب هشتم

بعضی از دعاها

شرط دستیابی تمام و کمال به فواید و ثوابهای مذکور برای دعا نمودن به تعجیل امر فرج حضرت صاحب الزمان علیه السلام، این است که شخص در دعا به وجود مبارک امام زمان علیه السلام، و طلب فرج و ظهور آن حضرت از خداوند عالمیان مداومت و اهتمام بسیار داشته باشد، حال به هر زبان که باشد، چه فارسی، چه عربی و چه غیر آنها.

و سزاوار است که در آن حال با کمال تضرع و زاری دعا کند، مثل کسی که از برای عزیزترین اهل خود در حال اضطرار دعا می کند. و دیگر اینکه غرضش از دعا کردن به آن حضرت محبت به حضرت حق متعال و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امام زمان علیه السلام باشد.

و بهتر آن است دعاهایی را که از ائمه اطهار علیهم السلام روایت شده به

جهت آن بزرگوار بخواند و آنها بسیار می‌باشند، و این حقیر در این مختصر به ذکر چند دعا اکتفا می‌نمایم:

اول: در کتاب من لایحضره الفقیه از حضرت امام محمد تقی علیه السلام روایت شده است که بعد از هر نماز واجب این دعا را بخوان:

رَضِيتُ بِاللهِ رَبًّا وَ بِالإِسْلَامِ دِينًا وَ بِالقُرْآنِ كِتَابًا وَ
بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نَبِيًّا وَ بِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام وَلِيًّا وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيِّ بْنِ
الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
وَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ
عَلِيٍّ وَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام ائمةً. اَللّهُمَّ وَلِيَّكَ الْحُجَّةُ
فَاخْفِظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ
فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ وَ اَمُدِّدْ لَهُ فِي عُمُرِهِ وَ اجْعَلْهُ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ
الْمُسْتَنْصِرَ لِدِينِكَ وَ أَرِهِ مَا يُحِبُّ وَ تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ فِي نَفْسِهِ وَ
ذُرِّيَّتِهِ وَ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ وَ فِي شِيعَتِهِ وَ فِي عَدُوِّهِ وَ أَرِهِمْ مِنْهُ مَا
يَحْذَرُونَ وَ أَرِهِ فِيهِمْ مَا يُحِبُّ وَ تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ وَ أَشْفِ بِهِ صُدْرَنَا وَ
صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ.

دوم: در بحار و غیره از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که این دعا را بعد از هر نماز بخوانند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنَّ رَسُولَكَ الصَّادِقَ
 الْمُصَدِّقَ الْأَمِينَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ إِنَّكَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ
 تَعَالَيْتَ مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدُّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ
 عَبْدِي الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَ أَنَا أَكْرَهُ مَسَائِتَهُ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ لِيَوْلِيكَ الْفَرَجِ وَ النَّصْرِ وَ الْعَافِيَةَ وَ
 لَا تُسَوِّبْنِي فِي نَفْسِي وَ لَا فِي أَحَدٍ مِنْ أَحِبَّتِي.

سوم: در فروع کافی روایت شده که این دعا را در هر حال و هر
 وقت، خصوصاً در ماه رمضان، به خصوص در شب بیست و سوم آن
 ماه بخوانند. می‌گویی بعد از حمد خدا و صلوات بر خاتم انبیا صلی الله علیه و آله:

اللَّهُمَّ كُنْ لِيَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ وَ
 عَلَى آبَائِهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ
 وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلاً وَ قَائِداً وَ عَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ
 أَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً.

چهارم: در جمال الاسبوع از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
 روایت است که باید به این کیفیت بر حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه
 صلوات فرستاد (مؤلف گوید: این صلوات شامل دعای به آن حضرت
 است، پس در هر حال و هر وقت خواندن آن مناسب است):

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَ ابْنِ أَوْلِيَايِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ
 وَ أَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرْتَ تَهُمْ تَطْهِيراً. اللَّهُمَّ
 أَنْصُرْهُ وَ انْتَصِرْ بِهِ لِديْنِكَ وَ أَنْصُرْ بِهِ أَوْلِيَايَكَ وَ أَوْلِيَاءَهُ وَ
 شِيعَتَهُ وَ أَنْصَارَهُ وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ. اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ طَاغٍ وَ
 بَاغٍ وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَ أَحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ
 عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ أَحْرُسْهُ وَ أَمْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوَصَلَ إِلَيْهِ
 بِسُوءٍ وَ أَحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ آلَ رَسُولِكَ وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ
 أَيِّدْهُ بِالنُّصْرِ وَ أَنْصُرْ نَاصِرِيهِ وَ أَخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَ أَقْصِمِ بِهِ
 جَبَابِرَةَ الْكُفْرَةِ وَ اقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَ الْمُتَنَافِقِينَ وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ
 حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ
 سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا وَ أَمْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ أَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ
 عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامِ. وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ
 اتِّبَاعِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ أَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ مَا يَأْمُلُونَ وَ فِي عَدُوِّهِمْ
 مَا يَحْذَرُونَ إِلَهَ الْحَقِّ رَبَّ الْعَالَمِينَ آمِينَ.

پنجم: دعایی است که در جمال الاسبوع از حضرت امام رضا علیه السلام
 روایت شده که دعا نمایند برای حضرت حجت عجل الله فرجه به وسیله
 این دعا، و این دعا وقت مخصوصی ندارد، بلکه هر وقت بتوانند این

دعای شریف را بخوانند و این عاصی را به دعای خیر یاد کنند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اذْفَعْ عَنِّي وَلِيَّكَ وَ
خَلِيفَتِكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ وَ لِسَانِكَ الْمُعَبَّرِ عَنِّي بِإِذْنِكَ
النَّاطِقِ بِحِكْمَتِكَ وَ عَيْنِكَ النَّاطِرَةِ فِي بَرِيَّتِكَ وَ شَاهِدِكَ عَلَيَّ
عِبَارِكَ الْجَحْجَاحِ الْمُجَاهِدِ الْمُجْتَهِدِ عَبْدِي الْعَائِدِ بِكَ.

اللَّهُمَّ وَ اَعِذْهُ مِن شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَ ذَرَأْتَ وَ بَرَأْتَ وَ اَنْشَأْتَ وَ
صَوَّرْتَ وَ اَحْفَظْهُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِن خَلْفِهِ وَ عَن يَمِينِهِ وَ عَن
شِمَالِهِ وَ مِن فَوْقِهِ وَ مِن تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيغُ مَن
حَفَظْتَهُ بِهِ وَ اَحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ وَصِيَّ رَسُولِكَ وَ آبَائِهِ
اَيْمَتَكَ وَ دَعَائِمَ دِينِكَ صَلِّوْا تَكَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ وَ اَجْعَلْهُ فِي
وَدِيْعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيغُ وَ فِي جِوَارِكَ الَّذِي لَا يُخْفَرُ وَ فِي مَنَعِكَ
وَ عِزِّكَ الَّذِي لَا يُقْهَرُ.

اللَّهُمَّ وَ اَمِنُهُ بِاَمَانِكَ الْوَثِيقِ الَّذِي لَا يُخَذَلُ مَن اَمِنْتَهُ بِهِ وَ
اَجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُضَامُ مَن كَانَ فِيهِ وَ اَنْصُرْهُ بِنَصْرِكَ
الْعَزِيزِ وَ اَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ وَ قَوِّهِ بِقُوَّتِكَ وَ اَزِدْهُ بِمَلَأْنِكَ.
اللَّهُمَّ وَ اَلِ مَن وَالَاهُ وَ عَادِ مَن عَادَاهُ وَ اَلِيسْهُ يَرْعَكَ الْحَصِيْبَةَ

وَ حَفَّهُ بِالْمَلَأِيكَةِ حَفًّا.

اللَّهُمَّ وَ بَلِّغْهُ أَفْضَلَ مَا بَلَغْتَ الْقَائِمِينَ بِقِسْطِكَ مِنْ أَتْبَاعِ
النَّبِيِّينَ.

اللَّهُمَّ أَشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ وَ أَرْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ وَ أَمِتْ بِهِ الْجُورَ وَ
أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ زَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ وَ أَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَ
أَنْصُرْهُ بِالرُّغْبِ وَ أَفْتَحْ لَهُ فَتْحاً يَسِيراً وَ أَجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ
عَلَى عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِ سُلْطَاناً نَصِيراً.

اللَّهُمَّ أَجْعَلْهُ الْقَائِمَ الْمُنْتَظَرَ وَ الْإِمَامَ الَّذِي بِهِ تَنْتَصِرُ وَ أَيِّدْهُ
بِنَصْرِ عَزِيزٍ وَ فَتْحِ قَرِيبٍ وَ وَرَثَهُ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا
الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا وَ أَخِي بِهِ سُنَّةَ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنْ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ وَ قَوِّ
نَاصِرَهُ وَ أَخْذُلْ خَازِلَهُ وَ دَمِّمْ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ وَ دَمَّرْ عَلَى مَنْ
غَشَّاهُ.

اللَّهُمَّ وَ أَقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَ عَمَدَهُ وَ دَعَائِمَهُ وَ الْقَوَامَ بِهِ وَ
أَقْصِمْ بِهِ رُؤُسَ الضَّلَالَةِ وَ شَارِعَةَ الْبِدْعَةِ وَ مُمِيقَةَ السُّنَّةِ وَ
مُقَوِّيةَ الْبَاطِلِ وَ أَدْلِلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ حَيْثُ كَانُوا وَ آيُنْ كَانُوا مِنْ

مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا
حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دَيَّاراً وَ لَا تُبْقِيَ لَهُمْ أَثَاراً.

اللَّهُمَّ وَ طَهَّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَ أَشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ وَ أَعِزَّ بِهِ
الْمُؤْمِنِينَ وَ أَخِي بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ وَ دَارِسَ حُكْمِ النَّبِيِّينَ وَ
جَدِّدْ بِهِ مَا مَجَى مِنْ دِينِكَ وَ بَدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ
وَ عَلَى يَدَيْهِ غَضّاً جَدِيداً صَاحِبِياً مَخْضاً لِأَعْوَجَ فِيهِ وَ لِأَبْدَعَةَ
مَعَهُ حَتَّى تُنِيرَ بِعَدْلِهِ ظُلْمَ الْجَوْرِ وَ تُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ وَ
تُظْهِرَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ وَ مَجْهُولَ الْعَدْلِ وَ تَوْضِیحَ بِهِ مُشْكَلاتِ
الْحُكْمِ.

اللَّهُمَّ وَ أَنَّهُ عَبْدَكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ أَضْطَفَيْتَهُ مِنْ
خَلْقِكَ وَ أَضْطَفَيْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ وَ أَنْتَمَنْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ وَ
عَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ بَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَ
صَرَفْتَهُ عَنِ الدَّنَسِ وَ سَلَّمْتَهُ مِنَ الرَّيْبِ.

اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَ يَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ أَنَّهُ لَمْ
يُذْنِبْ ذَنْباً وَ لَمْ يَأْتِ حُوباً وَ لَمْ يَزْتَكِبْ لَكَ مَعْصِيَةً وَ لَمْ يُضَيِّعْ
لَكَ طَاعَةً وَ لَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً وَ لَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً وَ لَمْ يُغَيِّرْ

لَكَ شَرِيعَةٌ وَ أَنَّهُ الْإِمَامُ التَّقِيُّ الْهَادِي الْمُهْتَدِي الطَّاهِرُ النَّقِيُّ
الْوَفِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ.

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ وَ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ وَلَدِهِ وَ
أَهْلِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ أُمَّتِهِ وَ جَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرِّبُهُ عَيْنُهُ وَ تَسُرُّ بِهِ
نَفْسَهُ وَ تَجْمَعُ لَهُ مُلْكَ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا قَرِيبِهَا وَ بَعِيدِهَا وَ
عَزِيزِهَا وَ ذَلِيلِهَا حَتَّى يُجْرِيَ حُكْمُهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَ يَغْلِبَ بِحَقِّهِ
كُلَّ بَاطِلٍ.

اللَّهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ بِمَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجِ الْهُدَى وَ الْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى
وَ الطَّرِيقَةِ الْوَسْطَى الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْغَالِبُ وَ يَلْحَقُ بِهَا
التَّالِي.

اللَّهُمَّ وَ قَوِّنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَ ثَبِّتْنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ وَ أَمِّنْ
عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِهِ وَ اجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِهِ الصَّابِرِينَ
مَعَهُ الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَحَتِهِ حَتَّى تَحْشُرَنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ
فِي أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ مَقَوِّيَةِ سُلْطَانِهِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنَّا لَكَ
خَالِصاً مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَ شُبُهَةٍ وَ رِيَاءٍ وَ سُمْعَةٍ حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ

غَيْرِكَ وَ لَانَطْلُبُ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ وَ حَتَّى تُحِلَّنَا مَحَلَّهُ وَ تَجْعَلَنَا فِي
الْجَنَّةِ مَعَهُ وَ لَاتَبْتَلِنَا فِي أَمْرِهِ بِالسَّامَةِ وَ الْكَسَلِ وَ الْفِتْرَةِ وَ
الْفَشْلِ وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَ تُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَ لِيَّكَ وَ
لَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَ
هُوَ عَلَيْنَا كَبِيرٌ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى وُلَاةِ عَهْدِهِ وَ بَلِّغْهُمْ أُمُالَهُمْ وَ زِدْ فِي
أَجَالَهِمْ وَ أَنْصُرْهُمْ وَ تَمِّمْ لَهُ مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِ دِينِكَ وَ
اجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَانًا وَ عَلَى دِينِكَ أَنْصَارًا وَ صَلِّ عَلَى آبَائِهِ
الطَّاهِرِينَ الْأَيْمَةَ الرَّاشِدِينَ.

اللَّهُمَّ فَإِنَّهُمْ مَعَاذِنُ كَلِمَاتِكَ وَ خُزَّانُ عِلْمِكَ وَ وُلَاةُ أَمْرِكَ وَ
خَالِصَتُكَ مِنْ عِبَادِكَ وَ خَيْرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ أَوْلِيَاؤُكَ وَ سَلَائِلُ
أَوْلِيَاؤِكَ وَ صَفْوَتُكَ وَ أَوْلَادُ أَصْفِيَاؤِكَ صَلَوَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ
بَرَكَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

اللَّهُمَّ وَ شُرَكَائِهِ فِي أَمْرِهِ وَ مُعَاوِنُوهُ عَلَى طَاعَتِكَ الَّذِينَ
جَعَلْتَهُمْ حِصْنَهُ وَ سِلَاحَهُ وَ مَفْرَعَهُ وَ أُنْسَهُ الَّذِينَ سَلَّوْا عَنْ
الْأَهْلِ وَ الْأَوْلَادِ وَ تَجَافَوْا الْوَطْنَ وَ عَطَلُوا الْوَثِيرَ مِنَ الْمِهَادِ

قَدْ رَفَضُوا تِجَارَاتِهِمْ وَ أَضْرُوا بِمَعَايِشِهِمْ وَ فُقِدُوا فِي أُنْدِيَّتِهِمْ
 بِغَيْرِ غَنِيَّةٍ عَنِ مِضْرِهِمْ وَ خَالَفُوا الْبَعِيدَ مِمَّنْ عَاضَدَهُمْ عَلَى
 أَمْرِهِمْ وَ خَالَفُوا الْقَرِيبَ مِمَّنْ صَدَّ عَنْ وَجْهِتِهِمْ وَ أَنْتَلَفُوا بَعْدَ
 التَّدَابُرِ وَ التَّقَاطُعِ فِي دَهْرِهِمْ وَ قَطَعُوا الْأَسْبَابَ الْمُتَّصِلَةَ
 بِعَاجِلِ حُطَامٍ مِنَ الدُّنْيَا، فَاجْعَلْهُمُ اللَّهُمَّ فِي حِرْزِكَ وَ فِي ظِلِّ
 كَنَفِكَ وَ رُدِّ عَنْهُمْ بَأْسَ مَنْ قَصَدَ إِلَيْهِمْ بِالْعَدَاوَةِ مِنْ خَلْقِكَ وَ
 أَجْزَلْ لَهُمْ مِنْ دَعْوَتِكَ مِنْ كِفَايَتِكَ وَ مَعُونَتِكَ لَهُمْ وَ تَأْيِيدِكَ وَ
 نَصْرِكَ إِيَّاهُمْ مَا تُعِينُهُمْ بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ وَ أَزْهِقْ بِحَقِّهِمْ بَاطِلَ
 مَنْ أَرَادَ إِطْفَاءَ نُورِكَ وَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَمَلَاءَ بِهِمْ كُلَّ أُفُقٍ
 مِنَ الْأَفَاقِ وَ قَطْرٍ مِنَ الْأَقْطَارِ قِسْطًا وَ عَدْلًا وَ مَرَحْمَةً وَ فَضْلًا وَ
 أَشْكُرْ لَهُمْ عَلَى حَسَبِ كَرَمِكَ وَ جُودِكَ وَ مَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَى
 الْقَائِمِينَ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبَادِكَ وَ أَنْخِرْ لَهُمْ مِنْ ثَوَابِكَ مَا تَرْفَعُ
 لَهُمْ بِهِ الدَّرَجَاتِ إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَ تَحْكُمُ مَا تُرِيدُ أَمِينَ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ.

ششم: صلواتی است که از خود آن حضرت علیه السلام در جمال الاسبوع

و بحار روایت شده و مشتمل است بر دعا برای آن جناب و صلوات

بر آن حضرت صلوات الله علیه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ
حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الْمُنْتَجَبِ فِي الْمِيثَاقِ الْمُصْطَفَى فِي الظَّلَالِ،
الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ، الْبَرِيِّ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ، الْمُؤَمَّلِ لِلنَّجَاةِ،
الْمُرْتَجَى لِلشَّفَاعَةِ، الْمَفْوُوضِ إِلَيْهِ دِينُ اللَّهِ.

اللَّهُمَّ شَرِّفْ بُنْيَانَهُ وَ عَظِّمْ بُرْهَانَهُ وَ أَفْلِحْ حُجَّتَهُ وَ أَرْفَعْ
دَرَجَتَهُ وَ أَضِيءْ نُورَهُ وَ بَيِّضْ وَجْهَهُ وَ أَعْطِهِ الْفَضْلَ وَ الْفَضِيلَةَ
وَ الدَّرَجَةَ وَ الْوَسِيلَةَ الرَّفِيعَةَ وَ أَبْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَغِيْبُهُ بِهِ
الْأَوْلُونَ وَ الْآخِرُونَ.

وَ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ قَائِدِ الْغُرِّ
الْمُحَجَّلِينَ وَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

وَ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ
الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

وَ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ
الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

وَ صَلَّى عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْغَابِطِينَ وَ إِمَامِ
الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

وَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ
وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

وَ صَلَّى عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ
الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

وَ صَلَّى عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ
الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

وَ صَلَّى عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ
الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

وَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ
وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

وَ صَلَّى عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ
وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

وَ صَلَّى عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ
الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

وَ صَلِّ عَلَى الْخَلْفِ الصَّالِحِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ إِمَامِ الْهُدَى إِمَامِ
الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيْمَةِ الْهَادِينَ الْعُلَمَاءِ
الصَّادِقِينَ الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ دَعَائِمِ دِينِكَ وَ أَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ وَ
تَرَاجِمَةِ وَحْيِكَ وَ حُجَجِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَ خُلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ
الَّذِينَ أَخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَ أَصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ وَ أَرْتَضَيْتَهُمْ
لِدِينِكَ وَ خَصَّصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ وَ جَلَّلْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ وَ غَشَّيْتَهُمْ
بِرَحْمَتِكَ وَ رَبَّيْتَهُمْ بِبِنِعْمَتِكَ وَ غَذَيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ وَ أَلْبَسْتَهُمْ
نُورَكَ وَ رَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ وَ حَفَفْتَهُمْ بِمَلَائِكَتِكَ وَ شَرَّفْتَهُمْ
بِنَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَيْهِمْ صَلَوةً كَثِيرَةً دَائِمَةً طَيِّبَةً
لَا يُحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ وَ لَا يَسَعُهَا إِلَّا عِلْمُكَ وَ لَا يُخْصِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ.
اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى وَ لِيِّكَ الْمُخْبِيِّ سُنَّتِكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ الدَّاعِي
إِلَيْكَ الدَّلِيلِ عَلَيْكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَ خَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ وَ
شَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ.

اللَّهُمَّ اعِزَّ نَصْرَهُ وَ مَدِّ فِي عُمْرِهِ وَ زَيِّنِ الْأَرْضَ بِطَوْلِ بَقَائِهِ.

اللَّهُمَّ اكْفِهِ بَغْيَ الْخَاسِدِينَ وَاعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكَائِدِينَ وَارْزُقْهُ
عَنْهُ إِزَادَةَ الظَّالِمِينَ وَخَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي الْجَبَّارِينَ.

اللَّهُمَّ اعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَشَيْعَتِهِ وَرَعِيَّتِهِ وَخَاصَّتِهِ
وَغَامَّتِهِ وَعَدُوَّهُ وَجَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ وَتَسُرُّ بِهِ
نَفْسُهُ وَبَلَّغُهُ أَفْضَلَ مَا أَمَّلَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا مَحَى مِنْ دِينِكَ وَأَخِي بِهِ مَا بَدَّلَ مِنْ كِتَابِكَ وَ
أَظْهِرْ بِهِ مَا غُيِّرَ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ
غَضًّا جَدِيدًا خَالِصًا مُخْلِصًا لِأَشْكَ فِيهِ وَلَا شُبُهَةَ مَعَهُ وَلَا
لِبَاطِلٍ عِنْدَهُ وَلَا بِدْعَةَ لَدَيْهِ.

اللَّهُمَّ نَوِّرْ بِنُورِهِ كُلَّ ظَلَمَةٍ وَهُدِّ بِرُكْنِهِ كُلَّ بِدْعَةٍ وَاهْدِمِ
بِعِزَّتِهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ وَأَقْصِمِ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ اخْمِدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نَارٍ وَ
أَهْلِكْ بِعَذْلِهِ كُلَّ جَبَّارٍ أَجْرَ حُكْمِهِ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَأَذِلَّ بِسُلْطَانِهِ
كُلَّ سُلْطَانٍ.

اللَّهُمَّ أذِلَّ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ وَأَهْلِكْ كُلَّ مَنْ غَاذَاهُ وَأَمْكُرْ بِمَنْ كَادَهُ
وَاسْتَأْصِلْ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ وَاسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ وَسَعَى فِي إِطْفَاءِ

نُورِهِ وَ أَرَادَ إِخْمَادَ ذِكْرِهِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُطْطَفِي وَ عَلَى الْمُزْتَضِي وَ فَاطِمَةَ
 الزَّهْرَاءِ وَ الْحَسَنِ الرَّضَا وَ الْحُسَيْنِ الْمُصَفِّي وَ جَمِيعِ
 الْأَوْصِيَاءِ مَضَابِيحِ الدُّجَى وَ أَعْلَامِ الْهُدَى وَ مَنَارِ التُّقَى وَ
 الْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَ الْحَبْلِ الْمَتِينِ وَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَ صَلِّ
 عَلَى وَ لِيِّكَ وَ وُلَاةِ عَهْدِكَ وَ الْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِهِ وَ مَدِّ فِي أَعْمَارِهِمْ وَ
 زِدْ فِي أَجَالِهِمْ وَ بَلِّغْهُمْ أَفْضَلَ أَمَالِهِمْ دِيناً وَ دُنْيَاً وَ آخِرَةً إِنَّكَ
 عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

خاتمه

زیارت حضرت صاحب الزمان علیه السلام

در کتاب احتجاج روایت است که حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه در توقیع شریف به سوی محمد بن جعفر حمیری امر فرموده بودند که هرگاه بخواهید مرا زیارت کنید و به سوی من توجه نمایید پس چنین زیارت کنید و بگوئید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسَّ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدِيَانَ دِينِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ
وَ نَاصِرَ حَقِّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ دَلِيلَ إِزَادَتِهِ. السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجُمَانَهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ

وَ أَطْرَافِ نَهَارِكَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ. السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَ وَكَّدَهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ
 الَّذِي ضَمِنَهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَ الْعِلْمُ
 الْمَضْبُوبُ وَ الْغَوْثُ وَ الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَ غَدَاً غَيْرَ مَكْذُوبٍ.
 السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ. السَّلَامُ
 عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَ تُبَيِّنُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَ تَقْنُتُ.
 السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَ تَسْجُدُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَ
 تُكَبِّرُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَ تَسْتَغْفِرُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ
 تُصَبِّحُ وَ تُمَسِي. السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَ النَّهَارِ إِذَا
 تَجَلَّى. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
 الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ. أَشْهَدُكَ يَا
 مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا
 عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَ أَهْلُهُ. وَ أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنَّ
 عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ وَ الْحَسَنَ حُجَّتُهُ وَ الْحُسَيْنَ حُجَّتُهُ وَ
 عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَ جَعْفَرَ بْنَ
 مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتُهُ

وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ وَ الْحَسَنَ بْنَ
 عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ. أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ أَنَّ
 رَجَعْتَكُمْ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ
 آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا وَ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَ أَنَّ
 نَاكِرًا وَ نَكِيرًا حَقٌّ وَ أَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ وَ الْبَعْثَ حَقٌّ وَ أَنَّ
 الصِّرَاطَ حَقٌّ وَ الْمِرْضَادَ حَقٌّ وَ الْمِيزَانَ حَقٌّ وَ الْحَشْرَ حَقٌّ وَ
 الْحِسَابَ حَقٌّ وَ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ الْوَعْدَ وَ الْوَعِيدَ بِهِمَا حَقٌّ. يَا
 مَوْلَايَ شَقِيَّ مَنْ خَالَفَكَمْ وَ سَعِدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا
 أَشْهَدْتُكَ عَلَيْهِ وَ أَنَا وَلِيُّ لَكَ بَرِيءٌ مِنْ عَدُوِّكَ. فَالْحَقُّ مَا
 رَضِيْتُمُوهُ وَ الْبَاطِلُ مَا أَسْخَطْتُمُوهُ وَ الْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَ
 الْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَ حُدَّةٌ لِشَرِيكَ لَهُ وَ
 بِرَسُولِهِ وَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلِيكُمْ وَ أَخْرِيكُمْ وَ
 نُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ وَ مَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ.

آمِنَ آمِينَ.

به نام خدای بخشنده بخشایشگر

سلام و درود بر خاندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله. سلام بر تو، ای دعوت کننده به سوی خدا و آموزگار دانای آیات او. سلام بر تو، ای باب رحمت خدا و داور دین او. سلام بر تو، ای جانشین خدا و یاور حق او. سلام بر تو، ای حجت خدا و راهنمای اراده او. سلام بر تو، ای خواننده کتاب خدا و روشنگر آن. سلام بر تو، در همه ساعات شب و روزت. سلام بر تو، ای یادگار خدا در زمین. سلام بر تو، ای پیمان الهی که خدایش گرفته و استوار ساخته. سلام بر تو، ای مژده الهی که خدایش تضمین نموده. سلام بر تو، ای پرچم افراشته و ای دانش فروریزنده و ای یاری دهنده و ای رحمت گسترده و ای مژده راستین. سلام بر تو، آنگاه که به نماز می ایستی. سلام بر تو، آنگاه که می نشینی. سلام بر تو، آنگاه که حمد و سوره می خوانی. سلام بر تو، آنگاه که صلوات می فرستی و قنوت می خوانی. سلام بر تو، آنگاه که در رکوع و سجده هستی. سلام بر تو، آنگاه که "لا اله الا الله" و "الله اکبر" می گویی. سلام بر تو، آنگاه که ستایش و طلب آمرزش می کنی. سلام بر تو، بامدادان و شامگاهان. سلام بر تو، در شب، آنگاه که تاریکی اش فراگیر شود و در روز، آنگاه که روشنایی اش آشکار گردد. سلام بر تو، ای پیشرو امان یافته. سلام بر تو، ای پیشوای آرزو شده. سلام بر تو، درودی فراگیر و همه جانبه.

ای مولایم، ترا گواه می گیرم به اینکه شهادت می دهم: معبودی جز

الله نیست، که یکتای بی همتا است و اینکه حضرت محمد ﷺ فرستاده اوست و خدای را، محبوبی جز او و خاندانش نیست. نیز، تو را بر این باور، گواه می گیرم، ای مولایم، که: امیرمؤمنان ﷺ حجت خداست و امام حسن ﷺ و امام حسین ﷺ دو حجت اویند و حضرت سجاد ﷺ و امام باقر ﷺ و حضرت صادق ﷺ و امام کاظم ﷺ و حضرت رضا ﷺ و امام جواد ﷺ و حضرت هادی ﷺ و امام عسکری ﷺ، همه حجتهای خدا هستند؛ و شهادت می دهم که تو نیز حجت خدایی. شما معصومان، آغاز و پایان آفرینش هستید و بازگشت شما - به دنیا - حقیقت دارد و شکی در آن نیست. آنگاه که این رجعت پیش آید؛ ایمان آنکه پیشتر نگروریده یا از ایمانش دستاورد نیکوئی نداشته، سود نمی بخشد. و نیز، گواهم که مرگ، حق است و دو فرشته پرسشگر در گور، حقتند و از نو زنده شدن، حق است و برانگیخته شدن نیز، و آن راه باریک، حق است و کمینگاه نیز، و سنجش کردارها و حشر انسانها و حسابرسی رفتارها، حق است و بهشت و دوزخ، و مژده و تهدید به آن دو، حق است. ای مولای من، آنکه از فرمان شما سرپیچید بدبخت شد و آنکه اطاعت شما را نمود سعادت مند گشت. پس گواه باش بر آن چه تو را شاهد گرفتم و من دوست تو و بیزار از دشمنت هستم. حق، چیزی است که بدان خشنودید و باطل آن است که شما از آن بیزارید. پسندیده، چیزی است که شما به آن فرمان دادید و ناپسند همان است که شما از آن باز

داشتید. جان و روانم به خدای یکتای بی همتا و به رسول او صلی الله علیه و آله و به امیرمؤمنان علیه السلام و به شما ای مولایم و به نخستین و فرجامین شما، ایمان دارد. آماده یاری شمایم و محبتم تنها، به شما است. آمین، آمین.

تذکر: مستحب است مداومت به این دعای شریف که در منهج از حضرت امام محمد باقر علیه السلام (۱) به سند معتبر روایت شده است: (و در این خصوص برای حقیر واقعه‌ای شریف رخ داد که جای ذکر آن نیست)

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَرَى وَ لَا تُرَى وَ أَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَ إِنَّ إِلَيْكَ
الْمُنْتَهَى وَ الرَّجْعَى وَ إِنَّ لَكَ الْأَخِرَةَ وَ الْأُولَى وَ إِنَّ لَكَ الْمَمَاءَ وَ
الْمَخْيَى رَبِّ اعُوذُ، بِكَ أَنْ أَدِلَّ أَوْ أَخْزَى.

دعای دیگر که بسیار باید خواند:

يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ

ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَي دِينِكَ.

کتاب را به چند رباعی از سروده‌های خود ختم می‌نمایم:

(۱) فرمود که جبرئیل به حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض کرد بدانید که من با هیچ یک از انبیا به اندازه شما محبت نداشته‌ام؛ پس بسیار بخوانید این دعا را. حقیر گوید: واضح است که در مقام اظهار محبت کامل به آن جناب اگر هدیه‌ای بهتر سراغ داشت آن را ذکر می‌نمود.

عید آمد و شد زلاله بستان پُر نور
هر کس به خیالی به جهان شد مسرور
ما را غم و محنت و آلم شد پر زور
زان رو که جمالت بود از ما مستور

ای ما حصل مراد از کَوْن و مکان
بازآ که شود جهان به تو رشک جنان
بی دیدن طلعت تو ای جان جهان
حظّی نبود مرا ز باغ و بستان

این دل که به مِهر تو سرشته ز آغاز
افتاده ز دوری تو در سوز و گداز
زان پیش که خصم دون به ما طعنه زند
ما را به یکی نظاره شاهان بنواز

و الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.

رجب المرجب سال ۱۳۳۳ هـ ق.